



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فامل و متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

۲ شنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۲۹

سال ششم - شماره ۱۶۵۷

صفحه ۱

شماره مسلسل ۷۱  
دوره شانزدهم قانونگزاری

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه ۲۰ مهر ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب:

- ۱ - قرائت فائین جلسه گذشته
- ۲ - طرح استیضاح راجع به نفت و بیانات دوفقر آقایان اللهیار صالح - حائری زاده
- ۳ - تصویب يك فقره اعتبارنامه
- ۴ - موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

\* \* \*

مجلس ساعت ۹ صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

### ۱- قرائت فائین جلسه گذشته

رئیس - اسامی فائین جلسه گذشته قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

فائین با اجازه - آقایان: احمد بهادری - دکتر

راجی - طباطبائی - پناهی

فائین بی اجازه: آقایان: صفوی - عزیززنگنه -

آصف - خسرو قشقانی - سالار - سندی - امینی - حسن

اکبر - شهاب خسروانی - اقبال - عماد تربتی - حسن

طاهری - پیراسته - دکتر شایگان - حکاظم

شیبانی - کهید

دیر آمده با اجازه - آقای خزیمه علم یکساعت

دیر آمده گان بی اجازه - آقایان: مصنف - موقر -

هراتی - مصدعلی - مسعودی - سلطانی - دکتر طباطبائی

رئیس - صورت مجلس جلسه پیش حاضر نشده است چون دستگامی که تهیه کرده اند يك نواقسی دارد که در ضمن عمل به آن نواقص برخوردند و پس از اصلاح از جلسه آینده منظمآ تمام جلسه چاپ میشود

نورالدین امامی - سه سال است که به جلسه آینده معول می شود.

رئیس - این کمکی است به آقایان نندزیربها آقای آشتیانی زاده بفرمائید.

آشتیانی زاده - بنده راجع بصورت جلسه

خواستم تذکر بدهم که هیئت تند نویسی مجلس يك فدری تسریع بفرمائید و دقت بفرمائید که صورت مجلس ها بموقع برسد ولی يك موضوع دیگر می خواستم نسبت

بطرخی که در جلسه گذشته از طرف بعضی نمایندگان نسبت بالفای حکومت نظامی داده شده از خود آقای نخست وزیر استدهامی کنم که ایشان در چند موقع کمک کردند به بعضی از دستجات مردم و آزاد یغواه مملکت یکی نسبت بهودت دادن محبوسین و تبعید شدگان حزب توده به تهران در این مورد هم خودشان مقدم بشوند و موافقت خودشانرا نسبت باین طرح اعانم بفرمائید.

### ۴- طرح استیضاح راجع به نفت و بیانات دوفقر آقایان اللهیار صالح - حائری زاده

رئیس - هروقت صورت مجلس مطرح شد راجع به آن بفرمائید امروز استیضاح مطرح است ولی چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند ( نمایندگان - دستور - دستور ) دستور امروز استیضاح است و بنا بر این وارد دستور میشویم - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده قبلا اجازه می خواهم راجع باستیضاح نمایندگان اقلیت مطالب مختصری عرض کنم در یکی از جلسات کمیسیون نفت که ۱۲ نفر از اعضای کمیسیون حاضر بودند یکی از نمایندگان معترم پیشنهاد کردند اگر دولت تا سه روز پرونده های مربوط به نفت را بکمیسیون نفرستد و اگر دولت تا ده روز نظریات خود را نسبت بلا یحه نفت نقیبا با اثباتا اظهار نکند دولت را استیضاح خواهیم کرد ۱۳ نفر از نمایندگان حاضر همگی موافقت کردند و بصورت جلسه را هم امضا کردند بعد استیضاح پیش آمد یکی از آقایان استیضاح کردند نمایندگان اقلیت هم چهار نفر امضا کردند و به آقایان دیگر اکثریت پیشنهاد کردند فقط دو نفر امضا کردند و شش نفرشان نخواستند امضا کنند این جریان است که در کمیسیون گذشت و بنده میخواستم عرض کنم اگر چهار نفر از نمایندگان اقلیت استیضاح کردند دلیل بر این نیست که سایر نمایندگان اقلیت نخواستند

این مذاکرات مشروح شصت و نهمین جلسه از دوره شانزدهم مجلس

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس



ساخته میسر که توانایی اشک هلیات دولت را در پیل خود جریان بدهد داشته است زیاد در این دست نگردید آنکه از ضعف و ناتوانی ملت ایران استفاده میسر موجب اصلی است ولی در این موضوع بخصوص شرکت نفت یک نفع آتی قابل تسعیر به لیره هم داشته است زیرا ماه ۱۷ قرار داد تعلیمی ۱۹۲۲ تعلیمی که عرض میکنم مقصود این نیست که عنوان هوچی گری داشته باشد بنا باظهار صریح جناب آقای ققی زاده رئیس محترم مجلس سنا در پشت همین تریبون که ایشان در مقابل ملت ایران تصدیق کردند که قرارداد ۱۹۲۲ شاهنشاه فقید تعلیم شده (آشتیانی زاده - صحیح است) زیرا ماه ۱۷ قرارداد تعلیمی میگردد (کیانی تشکیلات ومخارج تأسیسات و تقشیت و اداره وسایل صحت وصحت عمومی را مطابق جدید ترین طریق حفظالصحه معمولی در ایران در تمام اراضی و مساکن و اعضاء و عملیات خود که در حوزه امتیاز به کار میکنند بپهنه میگردد) آقایان خوب دقت کنید میگویند مطابق جدیدترین طریق حفظالصحه معمول در ایران یعنی هر قدر این طریق ناچیز تر باشد خرج شرکت نفت کمتر است البته وقتیکه باشد همه جا اصول صحتی درجه اول دنیا برقرار شود مخارج شرکت نفت زیاد تر است مطلب دیگر راجع به صنایع ایران شرکت نفت بزرگترین مانع ترقی صنایع ایران است در بند ج ماده ۱۹ قرارداد تعلیمی ۱۹۲۲ نوشته شده کیانی حق دارد که بقیمتهای اساسی مذکور در جزء الف مخارج حقیقی حمل ونقل وتوزیع وفروش و همچنین مالیات و هوارش موضوعه بر محصولات مزبور را بیافزاید در عمل از این اختیار چگونه استفاده کرده است بزین که سوخت اصلی اتومبیلها و کامیونهاست که جنبه تولیدی آن کمتر است در سراسر ایران بیک قیمت فروخته میشود ولی مازوت که سوخت ماشین آلات و بنا بر این رکن اساسی کارهای صنعتی است بقیمت مبداه باضافه گریه فروخته می شود یعنی جزدرواحی خوزستان سوخت صنعتی گران و هرچه دورتر میرویم گرانتر میشود و در نتیجه توسعه صنعت در ایران غیر ممکن میگردد بنا بر این تعداد اتومبیل هر روز اضافه میشود ولی کارخانجات صنعتی باین روز افتاده که ملاحظه میفرمائید همین سیاست است که مانع اصلی صنعت در ایران میباشد همین سیاست است که جنگلهای ایران را نابود میسازد همین سیاست است که دهقان ایرانی را وامیدارد که فضولات حیوانات را که برای زراعتش لازم است بسوزاند جاهای عقب که در کاشان یزد حفر کردند (جناب آقای دکتر طاهری هم توجه دارند) بزودی اثر این سیاست را چشیدند سوخت باندازه ای گران تمام میشود که از حفر جاهای جدید صرف نظر شد در یزد و کاشان مردم فوق العاده استقبال میکردند در کاشان پنج چاه کنده شده و در یزد بیشتر ولی بطوریکه بنده در کاشان خود مشاهده کردم غیر از یک چاه کارخانه رستدگی که با برق کار میکند بانی جاهای موجود صرف نمیکند و معلوم نیست خواننده دوام بیارند حال اگر دولت مقتدر و آزادی خواهان که شرکت نفت را مجبور کرد که قیمت

سوخت را باین آورد وتوزیع را بهتر کند تصور نکند که از دست شرکت فرار کرده است شرکت در ترفی که از صنعت نفت در مقدمه قرارداد تعلیمی میکند عملاً احداث هر گونه صنعتی را که نفت صنعتی در آن داخل شود برای خود مجاز کرده است و چون شرکتهای تابه شرکت نفت از همان امتیازات گمرکی ومالیاتی خود شرکت استفاده میکنند هیچ گونه شرکت ایرانی نمیتواند در مقابل آنها رقابت نماید اگر صنعت بزرگی در ایران احداث شد شرکت نفت میتواند شرکت قریبه ای تشکیل دهد و چون این شرکت از هوارش گمرکی ومالیات معاف است شرکت بیچاره ایرانی را در چند روز ورشکست خواهد کرد در حقیقت با در دست داشتن سوخت و این اختیار سرنوشت صنایع ایران در اختیار شرکت نفت میباشد نگاهی بوضع صنعتی ایران نشان میدهد که انصافاً شرکت نفت از این اختیار حد اکثر استفاده را نموده است کشاورزی با صنعت توأم است این را بنده باین جهت یادداشت کرده ام که آقایان مستحضر هستند که گفته میشود ایران کشور کشاورزی است ایران صنعت نیخواهد در حالیکه اگر بخواهند کشور ایران کشور کشاورزی شود و پایایی کشور های دنیا برود بدون صنعت ممکن نیست آقای وزیر کشاورزی تشریف دارند میدانند امروز دیگر در دنیا هیچوقت توسعه کشاورزی بدون صنعت نیست آنجا که صنعت نیست کشاورزی نیست مخالفت جدی شرکت نفت بانوسه صنعت و کشاورزی ایران از قیافه خوزستان بغوی مشاهده میگردد ملاحظه بفرمائید یک بیابان بزرگ باندازه یک کشور دارای خاک بسیار خوب و یک رودخانه ای مثل دریا از وسطش رد میشود و بدریای آزاد میریزد وسرتاسر این خوزستان جائیکه یک وقتی ناصر خسرو علوی که از آنجا عبور میکرد در تمام راه زیر سایه بود الان دیگر یک درخت پیدا نمیشود این صحرا زرخیز که روزی مخزن غله ملیونها ایرانی بوده است امروز لم یزرع وبایر افتاده است در صورتیکه در این ناحیه یکی از بزرگترین مؤسسات صنعتی دنیا جای دارد تهیه ماشین آلات وسوخت ارزان از یکطرف وبازار فروش محصولات از طرف دیگر در دسترس است این شرکت میباشد اگر شما یک کارخانه کوچک در بیابان بریا کنید در عرض چند سال در اطراف کارخانه شما صنعت و کشاورزی مناسبی ایجاد میشود حال باید از خود پرسید چگونه در اطراف تصفیه خانه آبادان آنجا که هفتاد هزار نفر کارگر کار میکنند هیچ تولید قابل ملاحظه ای دیده نمیشود آقایان دلیل بهتر از این برای ممانعت شرکت نفت باصنعت کشاورزی ایران میشود گفت (آقای مکرّم خواهش میکنم توجه بفرمائید شاید آقای شمامی بخواهند گوش بدهند بمرایش بنده) شرکت نفت یک منطقه بزرگ ایران را مجازا از ایران دارد در دولت ایران دولت دیگری که از سایر نقاط مجزا است بوجود آورده خطوط مواصلاتی در حوزه احتیاج شرکت نفت خیلی محدود است ایلات وهشایر این ناحیه راهبیشه ناراضی و در حال رنجش از دولت نگاه میدارند آبادان بشکل جزیره ای حتی از خرمشهر جدا شده با اینهمه رفت و آمدی که شرکت دارد یک پل روی رودخانه کارون ساخته اند یک پل

یک پل متحرکی بود که غالباً خطرناک و یکی مودنه هم خطرهای بزرگی پیش آورده یک پل نیست که بشود گفت پل باوجود اینهمه احتیاجات یک پل ساخته اند اکنون که در نتیجه نبودن جاد آبادان اداره مرکزی به خرمشهر آمده میخواهند پل بسازند البته پول ساختن پل را هم دولت ایران باید بدهد در قسمت آثار اجتماعی این امتیاز شرکت نفت خیلی صحبت میشود کردولی بنده همانطوریکه خاطر آقایان مستحضرات اهل صحبت زیاد نیستم و آقایان دیگر هم هستند که بآنها هم مجال صحبت باید داده شود ولی یک موضوع را شاید آقایان مستحضر نباشند برای رفع خستگی با مستحضراتان میرسانم و آن قسمتی از نطق لرد سالیسور صدر اعظم انگلستان است که در ضیافتی که با قنصل ناصرالدین شاه در ماه ژانویه ۱۸۸۹ در انگلستان داده شده ایراد کرده است ناصرالدین شاه را برده بودند بانگلستان ظاهراً برای مقدمه همین کارها ولی امتیازات دیگری گرفته بودند که امتیاز بانک شاهنشاهی را گرفته بودند و یکی هم امتیازی در رودخانه کارون داشتند امتیاز نفت که موضوع مهمی بود مطرح بود ناصرالدینشاه را بردند آنجا مهمانیهایی دادند در ضمن یکی از مهمانیها لرد سالیسوری بانطور اظهار میکند آقایان توجه بفرمائید میخوانم ببینید مخصوصاً آقای رزم آرا توجه باشند چقدر فرق است بین صحبتی که سیاستمداران خارجی میکنند و با آنچه که در عمل انجام میدهند (ما با نهایت علاقمندی وهمدردی مراقب سیاستیکه اعلیحضرت همایونی در ایران شروع نموده اند میباشیم وما (انگلیسها) آرزو مندیم که این سیاست بر سر کمال برسد و نیز برای شخص ایشان وملتشان منتهای سعادت را خواهیم امیدوارم که ارتباط با دنیای خارج که در این زمان بمنزله یکی از شرایط ترقی و کمال میباشد در کشور ایشان توسعه وتزاید حاصل نماید واز همه اینها بالاتر ما آرزو میکنیم که (استدعا میکنم باین جمله توجه بفرمائید از همه اینها بالاتر ما آرزو میکنیم که ایران نه فقط سعادت مند بلکه نیرومند باشد نیرومند راقتصادیات خود «این آرزوی لرد سالیسوری بوده «نیرومند در تدارکات خود(ظاهراً از تدارکات در ارتش وغیره) ونیرومند در اتحاد دوستی بادیرگران (اگر مادوست شدید بعداً این حقیقت حاصل میشود این جمله است که خود من اضافه میکنم) تا اینکه بتوانند این طریق مسالمت آمیزی را که وارد آن گردیده با اطمنان و سکون خاطر تعقیب مینمایند (این جمله اخیر از همه مهمتر است) از همان حال بقدر خویش استدعا داریم مطمئن باشد در این اقدامی که ما برای ایجاد دوستی اقتصادی و سیاسی بین دو کشور مینماییم بهیچوجه خواهان امتیازات انحصاری برای خود قائل نیستیم (ما وقتیکه میگویند در خارج البته تنها دولت نیست ما قصد تعلیم هیچگونه دوستی که منجر بتجاوز باشد نگرددند ما فقط خواهان استفادههایی هستیم که بوسیله صنعت و فعالیتهای هادی «شترتی کوچولو کوچولو» (خنده نمایندگان) بدست میآید و جنبه عمومی دارد وفوائد آن نه فقط یک کشور بلکه تمام ملل دنیا خواهد رسید «این فرمایشات آقای سالیسوری بود که بعد ملاحظه فرمودید پس از گرفتن امتیاز چه روز ما آوردند و ناچه اندازده در تقویت نیروی اقتصادی واجتماعی ایران کوشش کردند یک قسمت

دیگر اظهار شده است که لرد رزمن معروف کرده این خیلی مختصر است اینها برای اطلاع آقای نخست وزیر خیلی لازم است می بینید یک اشخاصی باین خدمتشان چه وعدههایی میدهند و چه صحبتی میکنند میخواهم توجه داشته باشند که از این حرفها در دنیا زیاد در سیاست دول مستعمراتی بسیار فرق است (فرامرزی) لازم نیست شما یاد بدهید اینها را خودشان میدانند) این مطلب نقل از صفحه ۶۲۰ کتابی باسم ایران ومشله ایران جناب آقای رزم آرا گویا ملاحظه فرموده باشند تألیف لرد رزمن معروف است البته آن موقمی که این کتاب را لرد رزمن نوشته بود تجربیات سیاسی باندازه ای که بنده ما بدست آورده داشت والا یک سیاستمدار مجرب هیچوقت یک حرفهائی ننویشت که بعد دولت انگلستان مجبور شود ونگذارد که آن کتاب برای طبع دوم وسوم منتشر شود هر کسی آن کتاب را دیده میداند نایاب است در دنیا خود بنده مدت در امریکا اقدام کردم که یک دوره دو جلد آنرا خریدم خیلی نایاب است برای اینکه آنوقت ایشان هنوز وارد در سیاست نبودند و مخبر روزنامه تا میز بوده است بنده وارد شده است در کار سیاستمداران وحقی مقام نایب السلطنه هندوستان ووزارت خارجه داشته آقای جواهر کلام که یک نویسنده برجسته ای هستند قسمت هائی از آنرا گمان میکنم ترجمه کرده (فرامرزی) - یک جلد کامل گرفته شده در کتابخانه مجلس است) بنده میخوانم اینها اظهارات لرد رزمن است میگوید «مهمترین مطالب اینست که ما باید از یک چیز اطمینان حاصل کنیم و آن اینست که سرنوشت ایران در منطقه شمال که خارج از مداخلات احتمالی ما است هر چه می خواهد باشد (ملاحظه می فرمائید چقدر تاریخ تکرار شده) ایران باید مرکز وجنوب خود را کاملاً مضمون از تجاوزات نگاه دارد (از نقطه نظر انگلستان ایران عبارتست از مرکز ایران وجنوب ایران!) (سرنوشت ایران در شمال هر چه می خواهد باشد ایران باید قادر باشد که بهر دولت متجاوز بگوید تا اینجا پس است (یعنی اگر آمدند شمال را گرفتند رسیدند به مرکز بگویند تا اینجا پس است اینها را که می گویم تحت الفظی است که خود بنده ترجمه کرده ام می گویند تا اینجا پس است واز اینجا جلوتر نباید) ویکانه وسیله برای رسیدن باین مقصود آنستکه انگلستان در قسمت جنوب ایران که من (لرد رزمن) مکرر منطقه مزبور را توصیف کردم چه از حیث تجارت وچه از حیث سیاست بر دیگران تفوق داشته باشد (رفعی) - آقایان چه سندی دارید حرف بکنند برای ما) (یکی از نمایندگان) عمل می کنند الان) برای استحضار است جناب آقای قائم مقام عملی که در سال ۱۹۰۷ صادرند روی همین اصل بود حالا تعقیب می کنند (نورالدین امامی - یک سگی در جانی وف ووفی کسبند بما چه مربوط است) (زنک مستورین) (یکی از نمایندگان) بسیار کار بدی صادره) ولی باینده ملت ایران خیلی مربوط است «از سیستان در شرق ایران میشود خیلی از راه کرمان یزد باصفهان کشید و آنرا بطرف مغرب تارویج د وهدمان و کرمانشاه ادامه داد ودر جنوب این خط بهیچ دولت متخاصمی نباید اجازه داد که دارای

نفوذ سیاسی باشد در این منطقه (خیلی مضحک اینجاست که ایشانهم مثل لرد سالیسوری یک قیافه حق بجانبی گرفته و می گویند) در این منطقه دولت انگلستان مطلقاً تقاضای امتیازات انحصاری نخواهد کرد مانیات خود را بایران تحمیل نخواهیم نمود ما احتیاج باینکه یک سر با زوردار خالک ایران بکنیم یک گلوله بینه ازیم نخواهیم داشت و هر گونه پیروزی که بعد از این در ایران نصیب ما شود بوسیله بکار بردن بساروت و گلوله یا قلدری و زور گوئی یا حتی رشوه دادن نخواهد بود بلکه ماسعی خواهیم نمود منافع مشترک بین خود وایرانیان را با وسائل دوستانه تأمین کنیم و هدف ما ترقی صنعتی ایران در برقراری اصلاحات داخلی خواهد بود (شوشتری) - فقط معجزه درست می کنند) در صفحه دیگر این کتاب صفحه ۶۳۴ می نویسد: (در بکار انداختن منابع ثروت ایران از سرمایه ایرانی باید استفاده شود (ملاحظه می فرمائید چقدر نظریات خوبی داشته خود ما هم در حزب ایران اینطور می گوئیم برای ایران بادست ایرانی بفکر ایرانی) برای بکار انداختن منابع صنعتی ایران از سرمایه های ایرانی باید استفاده شود زیرا راه گاه انحصار سرمایه بدست خارجی باشد این امر ایجاد حسادت خواهد نمود بملوه ایرانیان را بفکر این خواهد انداخت که سرمایه دار خارجی ثروت آنها را غصب نموده است) این صحبتها همه قبل از قرارداد داری است بعد منجر شد بقرار داد که ملاحظه فرمودید حالا بنده می خواهم نتیجه بگیرم از عرایض که این شرکت نفت دشمن استقلال و دشمن ترقی و پیشرفت ایران است و تا زمانی که با این سیاست عمل می کند دشمن شماره یک ملت ایران شمرده می شود (صحیح است) بنا بر این دولتی می تواند منافع ملت ایران را از نفت جنوب تأمین نماید که دست شرکت نفت را از نفت جنوب قطع نماید بنده یک چیزی که مکرر شنیده ام گفته می شود که ما زورمان نمیرسد بنده یقین دارم تمام نمایندگان محترم همین احساسات بنده را دارند و می خواهند که نفت ایران دست خود ایران باشد و بکنی هیچگونه خارجی در هیچ نقطه ای از شمال و جنوب اعمال نفوذ نکند اما همیشه این اشکال برای آقایان محترمی که با کمال حسن نیت اصلاح اینکار را می خواهند هست که می گویند و معتقدند که ما زورمان بشرکت نفت جنوب که نمی رسد بنده تصدیق می کنم ولی می پرسیم آیا ما زورمان بدولت روسیه شوروی میرسد؟ ما زورمان بهیچیک از دولتهای قوی نمی رسد پس چه می کنیم ما که وارد یک سازمانهای بین المللی شدیم ما که یک ملت ضعیفی هستیم اجرای منویات واحقاق حق خودمان را بوسیله دستگاههای بین المللی می خواهیم و می توانیم تأمین کنیم نباید اینطور فکر کنیم که ما زور نداریم ما همانطور که در مقابل شوروی ایستادگی می کنیم و در کنفرانس های بین المللی حق خودمان را می خواهیم همانطور هم باید نمایندگان ما در مورد شرکت نفت ایستادگی بکنند (صحیح است) بنده هیچ بغضی ندارم که تا بحال بکنده یک نماینده از طرف دولت ایران در این همه سازمانهای بین المللی که تشکیل شده است و مبالغ گرافتی برای ملت ایران خرج بار آورده برای یک دهنه هم که شده باشد یک کلمه از انگلیسها بخصوص

از این موضوع احقاق حق ایران از شرکت نفت جنوب شکایتی بکنند در پرونده ای که در کمیسیون نفت مامطالع کردیم همان مرحوم وزیر ۲۵ ماده اعتراضات دولت ایران را تهیه کرده است بانگلیسها مذاکره کرده بدهم دولتهای دیگر آمده اند صحبت کردند منتها همانطوریکه آقای گلشائیان در اینجا توضیح داده اند گفتند که آقا ما زورمان نمیرسد اینها حاضر نیستند بنده عرض می کنم از یک کشور مستقلی این حرف بهیچوجه قابل قبول نیست که بگوید چون یک قلدری است یک کشوری است که زورش زیاد است و ما زورمان نمیرسد واز فلان چیزی کمی خواهد دست برنی دارد خواهش می کنم از آقایان نمایندگان که این موضوع را بسکوت نگذرانند تقویت بکنند که یا فشاری بکنیم بهمان دستگاههای بین المللی متوسل بشویم حق خودمان را بگیریم و اگر هم نکره تقیم لائق وظیفه وجدانی خودمان را انجام خواهیم داد بنده یقین دارم که هیچکدام از آقایان نمایندگان با این عرایض بنده مخالف نیستند بنده یقین دارم که هیچ ملتی هیچ مملکتی در دنیا نیست که امروز بحق خود برسد مگر اینکه برای گرفتن حق خودش اقدام کند (صحیح است) دیگر عرضی ندارم (احسن)

**رئیس** - آقای دکتر مصدق بعد صحبت میفرمائید؟

**دکتر مصدق** - بلی بعد.

**صالح** - چون از وقت بنده باقی است اگر آقایان دیگر وقتشان کافی نبود گمان میکنم نظام نامه اجازه بدهد که از باقی وقت بنده آنها استفاده بکنند و مانی نخواهد داشت.

**رئیس** - آقای حائری زاده.

**حائری زاده** - قبلاً عرض کنم که یادداشت های من ماشین نشده و منظم نیست چون بعضی آقایان ارباب قلم از من نسخه خواستند من یادداشت های متفرقه دارم که در ضمن صحبت میکنم چون دستگاه تند نویسی ما کامل نیست و امیدواریم که این جلسات بکار بیفتد که اگر اشکالی هست مرتفع بشود برای موضوع استیضاح باید قبلاً یک مقدمه ای ذکر شود تا موضوع استیضاح را ما بتوانیم بگوئیم که چرا دولت و نخست وزیر را ما استیضاح کردیم تاریخ استیضاح ما از اینجا سرچشمه گرفت که قرار دادی آقای گلشائیان با کس منعقد کرده بودند در دوره ۱۵ آوردند بمجلس و جدأ هم مدافع آن قرارداد بودند خوشبختانه عمر مجلس وفا نکرد که آن قرار داد تکلیفش همین بشود ولی ابراز احساسات ملت ایران بنمایندگان امروز و انتخاب آنها در تهران معنیش عملاً رد آن قرار داد بود چرا برای اینکه مخالفین قرارداد در مجلس با اینکه دولت خیلی اشکالت را میگرد و آراء را عوض کرد ماها را حبس کرد ولی مردم مقاومت کردند این یک رفتن بود برای رد این قرار داد البته اهیتی برای انتخابات آزاد در تهران نداشت مردم علاقمند بودند که فشار نفت را از روی سرشان بردارند انتخاب ما برای این بود که ما مخالف نفت بودیم این چه بازی است که دولت هائیکه در این مجلس آمدند با صراحت گفتند ما طرفدار قرار دادیم معنایش

با قرار داد نایب آقای منصورالملک پشت این تریبون ما نتوانستیم بهیم مخالف است و با موافق جناب آقای رزم آرا هم همان دوسه را گرفته اند و دارند رویش عمل میکنند در کمیسیون ما گفتیم که این قرار داد اگر دولت هم با ما هم عقیده است که باید رد شود و حقوق ملت ایران را بگیرد باید این لایحه را پس بگیرد و برود لایحه ملی شدن نفت را بیارود بجلس مثل آنکه سایر مسائل کرده اند دولت انگلستان که اکثریت سهام را داراست خودش چندی پیش صنایع فولاد را ملی کرد این يك بام و دو هوا چیست؟ که در مملکت انگلستان اینطور عمل میشود و آنوقت ما گرفتار يك مشت قاچاقچی های کمیانی نفت جنوب باشیم اینرا هم مقدمتعرض میکنم که من یکفردی عصبانی هستم يك حوادث ناگوار که جلوی چشم من آمد ممکن است يك کلماتی که حقیقه نباید استعمال بشود استعمال شود بنده ملت انگلیس را ملت خوبی میدانم برای خودشان بسیار مردمان خوبی هستند ولی چون هر ملتی بد و خوب دارد ما هم در مملکت خودمان اشخاص خائن و جانی و کلاهبردار داریم اشخاص خوب هم داریم نمیدانم شانس ما ایرانیها چه شده است که هرچه قاچاق در انگلیس بوده این دستگاه کمیانی نفت را اداره میکنند و الا اگر روه اینک خود دولت انگلستان دارند در آنجا در مملکت ما هم همان روه بود ما خدا را شاگردیم این يك بام و دو هواست نماینده محترم جناب آقای صالح يك فرمایشی اول کردند به خودشان هم توضیح کردند و من هم میخواهم تأیید کنم که پول و زور در دنیا حکومت میکند درست است ولی من میگوم اراده بشر با كلك خداوندی ما فوق پول و زور است (صحيح است) امیراطور های بزرگ مقتدر آنروز ۱۳۰۰ سال پیش که رم و ایران بودند هم پول داشتند و هم زور در مقابل يك دولتی که طرفدار مساوات و عدالت بود هیچکاری نتوانستند بکنند ما هیچ وحشتی از پول و زور آنها نداریم در تاریخ صفر ۱۳۱۹ قمری مطابق با ما ۱۹۰۱ مسیحی مرحوم مظفرالدین شاه امتیاز نفت ایران را بدست شصت سال باستانه نفت ایالات و ولایات آذربایجان و خراسان و گیلان و مازندران و استرآباد شخصی میدهد که موسوم است آن فرمان به امتیاز داری سابقه عمل چه بوده بر ایران دربار وقت چگونه بوده صدر اعظم وقت و سایر رجال چگونه فکر میکردند خارج از موضوع بحث ماست مدتی آن قرار داد نفی برای صاحب امتیاز نداشت و آنچه سرمایه تحصیل کرد و صرف عملیات اکتشافی و استخراجی نمود بهر رفت حتی کار بجائی رسید که صاحبان سرمایه مهندس مامور را از ادامه عملیات منع کردند ولی با تأییدات فیبی و سرسختی مهندس مامور اکتشاف بر سرچشمه نفت رسیدند قائم مقام امتیازداری شرکتی انگلیسی که در ۱۹۰۹ تشکیل شده است گردیده ما کار نداریم که چگونه این امتیاز را شرکت تحصیل کرد و قائم مقام داری شد اول ورود شرکت در کار نفت ایران پنی بد حسابی را با ایران گذارد و طبق قراردادی که در امتیاز نامه داری بود عمل نمیکرد و هر روزه در ایران مشغول

آرتیست و سوا بود ما و از نظر خود سرباهی امتیاز شیخ خزعل ساخت و دستگاه رزوه و توضیح حق ملت ایران این کمیانی گسترده هر کس دارای اثر و نفوذی بود سهام مجانی و بستاندین مختلف پولها با آنها رساند در زمان شاه سابق مقدار سهامی که در ایران بود در دست اشخاص اگر دقت شود وراث کسانی مالک بودند که در تنظیم امتیاز نامه مؤثر بوده و یا در حوزه نفت دارای نفوذ و اقتداری بودند برای روشن شدن اساس تقلبات استخراج کنندگان نفت فصل ۱۵ امتیاز نامه داری و فصل ششم قرارداد با خوانین بختیاری قرائت میشود تا معلوم شود که اساس عمل صاحب امتیاز متکی بتقلب و اغفال و تزویر بوده فصل یازدهم از امتیاز نامه داری ۵ بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز تمام اسباب اینیه و ادوات موجوده شرکت بجهت استخراج و انتفاع معادن متعلق بدولت علیه خواهد بود و شرکت حق هیچگونه غرامت از این باب نخواهد داشت این فصل یازدهم امتیاز بود فصل ششم از قرارداد مورخ ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۲۴ مطابق ۱۵ نوامبر ۱۹۰۵ بین کمیانی و خوانین بختیاری بعد از انقضای مدت امتیاز کمیانی از دولت هر قدر عمارت در خاک بختیاری که متعلق بکمیانی باشه متعلق بخوانین عظام خواهد شد این کلاهبرداری و حقه بازی را اگر يك آدم هادی در ایران میگرد میگردند حبش میگردند این کمیانی علیه السلام همان کار را میکند (شوشتری - علیه الله بفرماید) علیه السلام من همان معنی را میدهم غصه نخورید (خنده نمایندگان) از ملاحظه این دو فصل که یکی از قرارداد داری با دولت ایران است و دیگری با خوانین بختیاری است اینیه و عمارات را پس از انقضای مدت کمیانی و عده میدهد که از طرفی تسلیم دولت ایران نماید و از طرفی تسلیم خوانین بختیاری نماید آقایان محترم این عمل را هر شخصی و کمیانی عهده دار شود قابل تعقیب جزایست این افرادی که ورودشان در مملکت ما برای غارتگری و کلاهبرداری بوده و در زمان شاه سابق همان قرارداد را که مدت آن ده سال دیگر منقضی میشود ۲۴ سال تمدید کرده و مواد مفیده آنرا هم کاملاً بضرر ایران تنظیم نموده و امروز بستان قرارداد العاقی میگویند این زنجیر اسارت را که بدست کمیانی کلاهبردار متقلب در زمانیکه مشروطیت ایران هلا متروک بوده بگردن ایران گذارده ما تأیید و تصدیق کنیم کار بکارهای گذشته نداریم پس از وقایع جنک بین المللی اول با اینکه یکی از عوامل مؤثر فتح دولت انگلستان منابع نفت ایران بود کمیانی نفت برای اینکه از ولینعت خود قدرشناسی کند دهوی خسارت کرده و از پرداخت حقوق حقه ایران استنکاف کرد و این جریان باقی بود تا در ۱۹۱۹ جناب و توفیق الدوله قراردادی با دولت انگلستان منعقد ساخت و نظام موابه و هست و نیست ایران را باختیار آنها گذارد در آن موقع متکی بآن قرارداد شوم يك مستشار مالی از طرف دولت انگلستان موسوم بارتیاز اسیت مامور ایران شد پس از اینکه وارد مطالعات امور مالی و حقوقی ایران شده توجه حرفهای بی حساب و حقه بازیهای کمیانی نفت جنوب گردید این جمله نیز نگفته نمائید که کمیانی نفت جنوب برای توسعه عملیات خود محتاج پرورش سهامی شد و دولت انگلستان اکثریت سهام

را سالک شد زیرا که قبل از ۱۹۱۲ در صورتیکه سرمایه کمیانی بود و پس از شرکت دولت انگلیس چهار میلیون ابره سرمایه کمیانی شد که بیش از نصف آن دو میلیون لیره آن از طرف خزانه انگلستان داد شد اگر چه کمیانی شخصیت حقوقی خود را نظر به صالح سیاسی خود حفظ کرده ولی معنای چون اکثریت سهام متعلق بدولت انگلیس است مجری سیاست و امور حکومت انگلستان است و البته در شرح سیاست همه جورجنايت و آنتریک و انقلاب و توضیح حقوق عامه برای پیشرفت مقصود سیاسی بعقیده انگلیسها مباح است لذا ما باین کمیانی بنظر يك تاجر که در سایه قانون باید مشغول کسب باشد نگاه نمیکنیم بلکه حکومت انگلستان است که بلباس کمیانی در داخل ایران يك دولت قوی در شکم دولت ضعیف ایران تأسیس کرده آقایان نمایندگان محترم حکومت انگلستان امروز حکومت سوسیالیستی و حکومت کارگر است در داخله خود ولی از نظر سیاست مروج قد نهای نامشروع و اصول دیکتاتوری و قلندری است در مالک دیگر کار باوراق تاریخ مراجعه شود سلسله ارتباط علت و معلول تیریراتی که در ایران پیش آمد کرده است در قرن اخیر از تغییر حکومت مستبد به مشروطه و تنظیم قانون اساسی و متمم آن و مبارزه با محمد علیشاه و اخراج او و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و تغییر سلطنت قاجار و تبدیل آن به پهلوی و قتل امیری و پس کنسول امریکا و تمام حوادثی که در این مدت اتفاق افتاده مستقیم یا غیر مستقیم جز از آن سرچشمه سیاست که برای ایران قیر از ضرر و فقر و بدبختی و فساد اخلاق نتیجه دیگری نداشته سرچشمه نیکیبرد بر گردیم باصل موضوع در سایه قرارداد ۱۹۱۹ و توفیق الدوله و انگلیس آرتیاز اسیت نامی که تعمیم بایران شده بود بموجب دستور مرحوم مشیر الدوله وارد معاسبه کمیانی نفت جنوب شد و دعاری واهی و حساب سازهای بی اساس بر او روشن شد پس از استخدام محاسب قنی قضیه باصلاح خانه یافت و مبلغی از بابت دعاوی گذشته بدولت ایران رسید آقایان اگر مراجعه فرمائید بگزارش آرتیاز اسیت راجع بوضع نفت که البته در ازشیو مجلس و وزارت دارائی و جراید آنروز مرکز موجود است روشن خواهد شد که آرتیاز اسیت بران حفظ شرافت شخصی خود نتوانسته است حمایت زیاد از کمیانی کرده و تقبل و حقه بازیهای کمیانی را کاملن بکن دانسته بلکه مواد امتیاز داری را که خیلی مبهم و در مرقع تفسیر موجبات تسهیل تقلبات کمیانی را فراهم میساخت روشن کرده طبق آن قرارداد در موقعیکه استخراج نفت در حدود چهار میلیون تن بوده سهم ایران يك میلیون و سیصد هزار لیره میشده است این عرض من متکی بگزارشی است که نماینده انگلستان در موقع اختلاف با ایران که جنک زرگری شد و امتیاز يك طرفه لغو شد و جای گیر امتیاز داری این قرار داد شوم که ابتدا مرضی ملت ایران نیست منعقد شد اظهار داشته است در آن تاریخ حکومت انگلستان با حزب محافظه کار بود نه کارگر آنروز معادن و راه آهن و صنایع فولاد در انگلستان ملی نشده بود ما چون کمیانی را غیر از دولت انگلیس چیز دیگری نمیدانیم توقع ما اینست که آن فراداد شوم کان لم یکن بوده تمام

توسعه و حیاتی که حیاتی در ایران داشته بانی و برقرار باشد زیرا که ما از تشکیل کمیانی ناراضی نیستیم بلکه مدیرهای خوبی این تشکیلات را اداره میکنند بکنند و برای فروش نفت بدولت و ملت انگلیس استتکافی نداریم و خیلی میل داریم که از منابع خام ایران دنیای صنعتگر مستفید شده و ما يك کمکی بشمن امروز دنیا کرده باشیم اگر اجداد ما مشعل تمدن را در دوره نوحش و بربریت در دست داشتند ما هاینز حامی و طرفدار تمدن مادی امروز هستیم و بغض اجازه نمیدهیم که مواد خامی که خداوند در مملکت ما ودیده گذارده است احتکار کرده سایر ملل را از این نعمت خداداد محروم کنیم ولی حاضر نیستیم نسل ایرانی در کنار این چشمه های گرداننده چرخ تمدن امروز دنیا گرسنه مریض جاهل و بدبخت نیست و نابود شود و ملت انگلیس روی اجساد مالکین حقیقی نفت بردنیا حکومت کند (صحيح است) ماحق حاکمیت خود را بهیچ قیمت از دست نمیدهیم و يك دولت قوی در وسط مملکت ایران تحت نفوذ ملت انگلیس رضای نیستیم که پاینده و برقرار بماند و از طرفی ملت ایران هیچوقت برخلاف تمهید و قول خود عمل نخواهد کرد و شرافت ایرانی با اجازه نمیدهیم و احکام مقدس اسلام ما را مکلف ساخته که پای بند عهد و میثاق خود باشیم بانام مابینیکه امتیاز داری داشته چون حکومت آنروز با رژیم وقت با رضا و رغبت آن قرارداد را منعقد ساخته و شاه نجیب وقت مظفرالدین شاه که معطی مشروطیت ایران است ذیل آن فرمانرا امضا کرده با احترام آن عهد و میثاق ما بدون موافقت کمیانی حاضر برای الفای آن نبوده البته ما خیلی از کمیانی که قائم مقام داری است کله و شکایت داشته و داریم که بوظیفه يك تاجر صحیح العمل رفتار نکرده و از مایندات نفت برای ایجاد انقلاب و اختلاف و هرج و مرج در مملکت کوشش کرده و ملت باهوش نجیب ایران را که روزی پیشرو قافله تمدن دنیا بوده باین روز سیاه انداخته عقیده شخص من اینستکه چون امتیاز داری با موافقت کمیانی لغو شده و این قرارداد شوم جدید در دوره دیکتاتوری و قلندری که مظلوم همان دستگاه انگلستان بوده تنظیم شده ابتدا مرضی ملت ایران نبوده و نیست اگر چه در حوادث شهر یور تزلزل در ارکان آن حکومت قلندری حاصل شد ولی با سریشم همان اربابهای نفت جنوب بازان دستگاه تجدید شده و باز همان آش است و همان کاسه و در مملکتی که قانون مخالف تأسیس حزب بگنند و برخلاف تمهید ما در مقابل جامعه ملل و اعلامیه حقوق بشر جراید ملی و احزاب سیاسی در چاه ویل بروند امنیت نیست و هر عملی امروزه بوسیله این مجلس انجام شود بقدر پیشیزی در دنیا ارزش نخواهد داشت و من اظهار عقیده میکنم که این امتیازات کان لم یکن است و برای بهره برداری ملت ایران و کمک بشمن دنیای امروز مقتضی است يك شرکت بین المللی برای استخراج تمام نفت ایران اعم از جنوب و شمال و شرق و غرب و مرکز تشکیل شده و هیچ ملت و مملکتی حق مالک شدن بیش از هشر سهام رانداشته باشد آقایان محترم فراموش نفرمودید جناب قوام السلطنه در زمان قیبت مجلس قرارداد شرکشی منعقد کرده بود که تمام اسباب

و لوازم و مخارج بهمه مسایع مالی است که در این وقت از ایران باشد و ۴۹ سهم ایرانی و ۵۱ سهم حکومت شالی داشته باشد در مجلس سابق با اکثریت قریب با اتفاق آن شرکت کان لم یکن شناخته شد و در ذیل آن تصمیم دولت مکلف شد که برای حفظ حقوق ملت ایران و آنچه بتنافع تحت الارض مخصوصاً نفت وارد مذاکره و عمل شده نتیجه را برض مجلس شورای ملی برساند ما چگونه رضای از این قرار داد شوم بودیم که ۲۲ سال بر مدت امتیاز افزوده در صورتیکه بر تمام ثروت کمیانی داری از شرکت اصلی و شرکتهای فرعی پس از ختم مدت امتیاز که ده سال دیگر باشد اعم از تأسیسات داخل ایران و یا خارج ایران متعلق بملت ایران می گردید طبق فصل یازدهم امتیاز داری انحصار اموال کمیانی در ایران داده شده در ذیل تصمیم مربوط به کان لم یکن شناختن شرکت نفت شمال دولت را مکلف نیساختیم که برای استیفای حقوق حقه ایران وارد مذاکره شده و بمجلس اطلاع دهد من تصور میکنم نحوه مذاکره دولت با کمیانی که زمان تصدی مرحوم هژیر شروع شده بر خلاف منظوری است که ملت ایران داشته زیرا که ما باصل آن قرارداد موافق نیستیم تا در اطراف اصلاح بعضی مواد آن وارد مذاکره شویم مطلب از دو صورت خارج نیست یا اینکه کمیانی رضای خود با موافقت دیکتاتور شاه وقت قرارداد داری را لغو کرده و این قرارداد جدید را منعقد ساخته اند و یا اینکه این قرار داد جدید بجای قرار داد سابق گذارده شده و آن فقه که لازم بود در صورتی ملفی الاثر خواهد بود که قرارداد جدید مورد قبول باشد لذا در تصمیمی که در اوایل مجلس ۱۵ راجع بنفت شمال گرفته شد دولت مکلف شد که با کمیانی برای استیفای حقوق حقه ایران وارد مذاکره شود و بدولت اجازه داده نشده بود که قرار داد شوم دوره غیر عادی ایران را برسمیت شناخته و در اطراف مواد آن وارد بحث دوره پهلوی که جناب آقای تقی زاده پرده راز زوری کار برداشته و ریشه و پایه آنرا معرفی و نشان دادند مشغول فعالیت بود که ارباب قلم در جراید و چه ناطقین در مجامع و چه نمایندگان در مجلس مرحوم هژیر جنک را بجویبار انداخته و از محور اصلی خود منحرف ساخته ملت ایران هر چند فقیر است و گرفتار جهل و مرض و حکومت فاسد است ولی حاضر نیست اساس حکومت و شرافت ملی خود را با تن بختی مقداری لیره انگلیسی بفروشد آقایان ما کی آن قرارداد شوم را برسمیت شناختیم که مرحوم هژیر مفاصا حساب بکمیانی داد و بیا به اصلاح راهی تغییر بعضی از مواد آن قرارداد

شخص دیکتاتور مرامی بود و رفتار بسیار بود که هر شخص مطیع تسلیمی را که فرق ایرانی داشت عصبانی میساخت زیرا که از سنه ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۰ هه ساله بیش از يك میلیون لیره با حساب سازیهائی که خود کمیانی میکرد و کنترل و تقبلی در کار نبود بدولت ایران پرداخت مینمود در سال ۱۹۲۹ یکمیلیون و چهارصد و سی و هفت هزار لیره سهم ایران شد ولی در سال ۱۹۳۱ سیصد و هفت میلیون لیره برای ایران سهم معلوم شده بود (جمال امامی - آقا ۳۰۷ هزار لیره) ۳۰۷ هزار لیره بوده میلیون نوشته شده حق باشماست که دیکتاتور وقت را که پادشاه ایران شده بود عصبانی ساخت و بدون مشاوره با اشخاص قنی قرارداد را بیکطرفه لغو کرد و توضیح پیراهن هشانی شد برای کمیانی من لازم نبودم بیشتر در اطراف این موضوع توضیح بدهم زیرا که شاه سابق و تمام رجالی که مجری او امر او بودند متوجه مضار این عمل شده و اگر آقایان به پرونده امر مراجعه کنند موقع مسافرت تیمور تاش بانگلستان مذاکره اضافه شدن بر مدت امتیاز روی ورقه آمده بود و تمام این گریه و رقصانها و جنگهای زرگری برای این بود که این گوهر گرانبها و این روغن معرک چرخ تمدن دنیا از دست ملت ایران خارج شده و بدون اینکه ما که مالک حقیقی آن هستیم حق رسیدگی به حساب داشته باشیم امپراطوری انگلستان را بیش از پیش در دنیا نافذ سازد دلیل هرایش من صورت مجلس موقعیت که در زمان دیکتاتوری شاه سابق این قرارداد بمجلس بسلوب الاختیار آرزو داده شده و توضیحاتی که در مجلس یازدهم از جریان امر جناب تقی زاده دادند این ناله و فریادیکه امروز من در این مجلس دارم این فریاد ملت ایران است جناب آقای دکتر مصدق در جلسه ۷۵ مجلس شورای ملی دوره ۱۴ در تاریخ یکشنبه مقتم آبانماه ۱۳۲۴ اولین شخصی بود که پس از تزلزل دستگاه قلندری و فشار رفتن شاه سابق بجزیره مورس ناله ملت ایران را براسمع جهانیان رساند امروز ملت ایران حاضر نیست که کمیانی نفت مانند کمیانی که بلباس تجارت وارد هندوستان شد و بر سر هندوستان بلائی آورد که تاریخ هند را باید مطالعه کرد صاحب امتیاز نفت باشد ما چه کردی شوم در وسط مملکت ما يك حکومت سرمایه داری که تمام تاسیسات حکومتی از دستگاه تلگراف بیسیم و طیاره کشتی واسکله نفتی بنام آتش نشانی که حقیقه بیس منوی هستند و دایره نفوذ و قدرت او بعدی است که مامورینی اسماً از تهران مامور آن ناحیه میشوند فقط مجری اوامر و نظریات کمیانی هستند و تاسیسات دولتی ایران در جزیره آبادان نسبت بششکلات و تاسیسات کمیانی يك آلت مسخره و مضحکه ایست وجود داشته باشد ما از دولت امروز انگلستان که دولت کارگری است توقع داریم اصول يك بام و دو هوا را کنار گذارده همان ترتیب که در انگلستان دولت در تاسیسات همومی دخالت دارد در ایران نیز دولت ایران در تاسیسات همومی خود دخالت داشته باشد فقط از نظر روابط تجاری و اقتصادی نفت را از ما خریداری کند و ما چون از تشکیلات فعلی کمیانی از نظر انتظامات رضای هستیم مانعی نداریم که همین تشکیلات را با همین مهندسين و مامورین

برای استخراج نفت خود ما داشتیم با هم بودی حکومت  
مستوی انگلستان که بیگنی استقلال اقتصادی و انتظامی  
صالحاً لطمه دار ساخته ملتی شود . آقایان محترم  
بموجب این قرار داد شوم ما حق هیچ نمونه کنترل  
ورسیدگی در کارهای کیانی نداریم ولی سکینانی  
اگر امروز برای منافع خود مقتضی دانست تمام جرح  
های اقتصادی ایران را تعطیل کند بایک دستور موفق  
می شود . کیانی اگر امروز مصلحت نداند که  
ایرانی زنده باشد و باین حیات تنگین دلغوش باشد  
می تواند باندان نفت و بزین تمام وسائط نقلیه از  
زمینی و هوایی و تمام دستگاه شهری از بخاری و حمامی  
برق و غیره را تعطیل کند با چنین اختیارات و قدرتی  
که در نتیجه جهالت ملت و فشار حکومت قلدردی  
کیانی تأسیس کرده باید ملت ایران قیام کند و این  
زنجیر اسارت را پاره کند من هزار دقه این قرارداد  
کتیف داری را که در دوره هرج و مرج ایران داده  
شده است چون چند سال بیشتر بخانه صبر آن باقی  
نمانده بر این قرارداد شوم ترجیح می دهم زیرا که  
در آن قرارداد ما حق رسیدگی به حسابات کیانی  
داشتیم اگر چه از حق خود بیش از یکصد دمه آنهم  
ناقص استفاده نکردیم ولی در این قرارداد جدید  
این حق از ایران سلب شد معجزه . عرض می کنم  
مصلحت ایران اینست که این امتیاز که با حق و تزویر  
و قلدردی و فشار کیانی تحصیل کرده کان لم یکن بشناسیم  
و قانونی دولت برای استفاده از منابع تحت الارضی  
ایران در سایه تشکیل یک شرکت بین المللی قدیم  
مجلس کند مشروط بر اینکه هیچک از دول و ملل  
مخصوصاً دول درجه اول حق مالکیت بیش از هشر  
از سهام این شرکت را نداشته باشند . بدیهی است  
ایران عضو جامعه بشری است و نظر خصوصت با هیچ  
ملت و مملکتی نداشته و ندارد .

خارج شد دولت انگلستان خود را فرمانفرمای جهان  
دانست ولی فرمانفرمائی که نسبت بملت ایران رحمو  
عاطفه را کنار گذارد اول بوسیله قرارداد ۱۹۱۹  
اراده خود را بوسیله جناب آقای ونوق الموله در  
مقام تعین بملت ایران برآمد پس از اینکه اشکالاتی  
در پیشرفت این مقصود دید مصمم شد که با افراد  
ملت نجیب ایران بوسیله مشت و سر نیزه معامله کند و  
موجبات کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را فراهم کرد  
و دنباله آن کودتا که هنوز باقی است و آثار شوم آن  
محو نشده سلب آزادی از ملت نجیب ایران کرد و با  
اینکه اخیراً اعلامیه حقوق بشر منتشر شد آن دستگاه  
زور و قلدردی که مغلوب این حکومت نفیست سید  
جلیل القلدردی مانند کاشانی را از زاد و بوم خود  
تبعید می کنند جراید را بوسیله آن قانون کتیف  
محدود می سازند از باب جراید را در توقیف نگاه بچرم  
حق گوئی حبس میکنند و بوسیله معاکم مصنوعی که  
قضات آن ابداً اختیاری از خود ندارند آنها را  
محکوم میسازند حتی برای از باب ملت ایران یک  
شخص مسیحی دیوانه را محکوم با اعدام ساخته قبل از  
انقضای مدت تجدید نظر و شکایت فرجامی او را  
مصلوب میسازند سید حسین امامی قاتل هژیر را قبل  
از انقضای مدت نیز ببحکم محکمه غیر صالح در تصفه  
شب اعدام میکنند مطالبی که عرض کردم مثنی از  
خرورار بود و اندکسی از بسیار است که برای سلب  
آزادی ملت ایران بدست عمال دولت قوی شوکت  
شرکت نفت جنوب در پس پرده انجام میشود یکدومه  
دیگر گفتم و مجدد تکرار میکنم که این هرایض من  
دلیل آزادی و مصونیت نیست بلکه بادیمنش هشتی  
و محمد مسعود و مشاهده عملیاتی که در مجلسها نسبت  
بامثال مرحوم مدرس شده این مطالب اظهار میشود  
زیرا که من غیر از خدای خود وحشت و اضطراب از  
دیگری ندارم و مخلوق را عاجز تر از آن می دانم  
که شرافت اخلاقی و انجام وظیفه را فدای حیات تنگین  
دو روزه کنم هزار دقه مردن بنام را بهتر از زنده  
بودن بننگ میدانم . کتابهایی که راجع بنفت منتشر  
شده و اطلاعاتیکه راجع بجریان عمل و عایدات و غیره  
منتشر شده است در دسترس اینجناب است . آن  
قسمت هائیکه مربوط بموضوع ماست عرض میشود  
اولاً عدم رضایت ملت ایران در هر موقع که آزادی  
مختصراً در ایران بوده است از طرف احزاب ارباب  
جراید نمایندگان مجلس شورای ملی ابراز شده است نطق  
آقای دکتر مصدق در هفتم آبان ۲۲۴ در مجلس شورای  
ملی تصمیم اخیر مجلس شورای ملی در تاریخ ۳۰ مهر  
۱۳۲۶ باین هیات است دولت مکلف است در سکتیه  
موارد که حقوق ملت ایران نسبت بمناجم ثروت کشور  
اعم از منابع زیر زمینی و غیره مورد تصبیح واقف شده  
است بخصوص راجع به نفت جنوب بمنظور استیفاء  
حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد  
و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد  
خوب در تصمیم مجلس که عبارت آن فوقاً ذکر شد  
وقت فرمائید من میدانم ولی بسایه مذاکرات و امر مرحوم  
هژیر روی شالوده اصلاح مواد قرارداد شوم قرارداده  
اند و دولت شاهد دنبال همان مذاکرات را گرفته  
باین نتیجه رسیده در صورتی که ما با اساس آن حرف  
داریم و آن قرارداد شوم را منافی با مصالح اقتصادی  
و سیاسی و اجتماعی ایران میدانیم ما عقیده داشتیم

که دولت با انگلستان وارد مذاکره شد منافع انگلستان  
را از حیث مصرف نفت و تهدیداتی که کیانی قبلاً  
با هر بنگاه و موسسه ای راجع بمعاملات نفتی داشته  
موافق منافع طرفین حل و تسویه کند ولی حق حاکمیت  
ملت ایران نباید کوچک شمرده شود و این سکینانی  
که لباس تجارت پوشیده و دوزیر این لباس که لازمه  
آن سلامت، راستی و درستی است منظور سیاست را اجرا  
کند . البته هر نوع نادرستی و جنایت و تقلب و تزویر  
در شرع بعضی از سیاستمدارها جایز است در ایران  
با ما رفتار کنند . باید این عملیات ملتی و کان لم یکن  
شناخته شود . ما با روسها دشمنی ملی نداشتیم بلکه  
همسایه دیوار بدبو از کوه و دشت و دریا با یکدیگر  
ناس داشتیم علت اینکه قرارداد شرکت جناب قوام  
السلطنه و روسها را با اینکه ۴۹۰۰۰ سهم برای ایران  
منظور شده بود کان لم یکن شناخته چه بود آیا از نظر  
جنبه مادی بود که ۴۹۰۰۰ راکم می دانستیم و صد هشتاد  
مطالبه داشتیم . خیر چنین نبود بلکه شرکت ضعیف  
و قوی و دخالت دادن دیگری در امور داخلی ما حقیقت  
خوبی نداشت و ممکن بود پس از چندی آن شرکت  
همین معاملاتیکه کیانی نفت جنوب فعلاً در ایران شروع  
میکنند موجب شد که مجلس با کثرت قریب با اتفاق آنرا رد  
کرد اگر آن شرکت برقرار شده بود البته ایستگاه تلگراف  
بی سیم ایستگاه قطار و سایر تأسیساتی که فعلاً کیانی نفت  
جنوب دارد توقیف داشت که در منطقه شرکت داشته باشد این  
موضوعات منافی با استقلال سیاسی و اخلاق اجتماعی ما بود لذا  
نزاکت را کنار گزارده صاف و پوست کنده با روسها  
گفتیم که ما حاضر برای این شرکت نیستیم و آن شرکت  
کان لم یکن شناخته شد . برای ملت ایران روس و  
انگلیس یکی است . هر دو نسبت به ما قوی در عمل  
و نتیجه فعالیت هر دو را در ایران بضرر ملت ضعیف  
ایران تشخیص داده و می دهم و الا ما با فروش نفت به  
روسها مخالف نبوده و نیستیم حتی به آنها زود دادیم  
که پس از استخراج نفت شمال برای فروش نفت با  
آنها وارد مذاکره شویم .

ملت ایران مالک نفت است و در بازار دنیا نفت خود را  
عرضه خواهد کرد هر کس با شرایط بهتر و مبلغی  
بیشتر خریدار باشد با او معامله خواهیم کرد . در  
سنوات اخیر قرارداد نفتی بین آمریکا و انگلستان  
منعقد شده است که دعوت به عقد کنفرانس بین المللی  
شده و در آن مذاکرات برای عقد قرارداد نفت روی  
اساس مبادی زیر بعمل آید و هشت ماده در اطراف  
معاملات نفت نوشته شده است که قسمت مختصری را  
برض آقایان میرسانم قسمت اول از ماده اول ،  
مصولات نفتی که عبارت از نفت خام و مواد مستخرج  
از نفت باشد باید برای آن راهی در بازار گانی بین  
المللی پیدا کرد که بدست کلیه ملل روی اساس قاعده  
رقابت بدون تمیز و فرق برسد

قسمت دوم — برای اینکه محصولات نفتی  
راهی بیازرگانی بین المللی پیدا کند باید مصالح و  
منافع ملل صادر کننده نفت در قسمت مربوطه پیشرفت  
اقتصادی آنها صیانت و نگاهداری شود

این قرارداد هشت ماده نفتی که بین انگلیس و  
آقایان رسیده متناهی است برای هرایض من که ایران  
خود را ملحق بکنفرانس ساخته کشف و استخراج و  
نهی محصول را بیک شرکت بین المللی که البته

سهام ایران کثیر از سهمی که روسها برای ایران دو  
مذاکرات بین خودشان و جناب قوام السلطنه منظور  
داشته بودند نخواهد بود عملیات استخراجی و صناعت  
نفت را در تمام ایران از شمال و جنوب و شرق و غرب  
همه دارشده و برای فروش در بازار دنیا طبق تصمیم  
کنفرانس نفتی که ضمن هشت ماده بین انگلیس و  
آمریکا توافق حاصل شده است بفرود

اینست نمونه ای از جنایات کیانی نفت جنوب  
نسبت بملت ایران اگر ملت ایران از زیر فشار این  
سکابوس قلدردی نجات یابد این خیانتکاران را بسزای  
خود خواهد رساند امسوس که ملت نجیب ایران ضعیف  
است و گرفتار جهل و مرض و حکومت فاسد شد و در  
سایه این قوانین و مقرراتیکه برای اسارت یک ملت  
تنظیم شده از صبح تا بشام فرصت تحصیل قوت لایبوت  
ندارد و ایالت زرخیز خوزستان که در چند هزار سال  
قبل آثار تمدن آن هنوز در درختهای شوش و یابهای  
پل راه آهن فعلی و سد قدیم بوده است شهادت می  
دهد باین خرابی و ویرانی نمی شود . آقایان بجزیره  
آبادان تشریف بفرمایند این کیانی نفت جنوب همساله  
بیش از قیمت یک کارخانه سیمان که در دامنه کوههای  
لرستان نصب شده و بهره برداری شود پول بسیمان  
میدهد و از خارج ایران وارد میکند حتی آجرها  
و خاک و شن که در جزیره آبادان بصرف ساختن  
یا زراعت میرسد بوسیله کشتی از خارج وارد میکند  
و البته گرایه اینها بحساب ملت ایرانست و راضی  
نیشود کارگر ایرانی در سایه این تأسیسات قوت  
لایبوت داشته باشد و این ملک را گرفتار فقر و  
جهالت و مرض ساخته تا کارگر ارزان استخدام کرده  
اشخاص سالم و با اراده که مطالبه حق خود را میکنند  
در ایران نباشند . من معتقدم که صدی هشتاد ظلم و  
فقر و مرضی که در ایران امروزه داریم مولود نقشه  
های استشاری این کیانی نفت جنوب است تا بیا ما  
بد یا خوب قرارداد داری داشتیم ۲۲ سال از عمر  
آن گذشته بود و طبق آن قرارداد تمام دارائی  
کیانی در ختام مدت ملک ملت ایران میگردد بدست  
از ۲۲ سال که این قرارداد لغو شد اگر به توافق  
طرفین بوده و قرارداد جدیدی باید منعقد شود ایران  
علاوه بر معادن نفت مالک ۳۲ سهم از ۶۰ سهم تمام  
دارائی کیانی بوده است در این قرارداد جدید  
منافع ما از آن ۲۲ سهم از ۶۰ سهم چیست ؟ این  
هایاتی که برای ایران در این قرارداد شوم بیش بینی  
شده مربوط بعمل استخراج نفت است . سی و دو سهم  
از ۶۰ سهم دارائی کیانی که در آن تاریخ ملک ایران  
بوده عایدات آن کجاست ؟ برای مثال عرض میکنم  
اگر زمین و آبی را شما در اختیار مستأجری بگذارید  
که در مدت ده سال درختکاری کرده و سال دهم بالغ  
مشجر بدون نقص و عیب تحویل شما بدهد پس از  
۶ سال موجبات قسح قرارداد فراهم شد آیا شش دهم  
این اشجار طبق قرارداد سابق ملک مالک مرصه آب  
و خاک نشده است آیا عایدات اجازه بعد فقط عایدات  
آب و خاک است یا شش دهم از ایسانی نیز بآید  
عایدات آن بمالک مرصه داده شود موقعیکه روسها  
فقط زمین و نفت را سهم شرکت ایران قرار میدهند  
و صدی ۴۹ بابت این سهم منافع حاضرند بایران  
بدهند در نفت جنوب که ما علاوه بر معدن و خاک

۲۲ از ۶۰ دستگاه استخراج و تصفیه و حمل و نقل  
و غیره را مالک هستیم بنا فقط چند لیره اهمیت کافی  
که بفرمایش جناب دکتر مصدق کلاه کاغذی است بنا  
بدهد و ما با سلام و صلوات این عمل جنایت آمیز  
دوره قلدردی را تنفیذ و تأیید کنیم من سهم خود این  
عمل را جنایت بزرگ غیر قابل عفو میدانم و تانفس  
و جان در بدن دارم برای مقاومت و مبارزه قیام خواهم  
کرد مجبورم انجام وظیفه کرده و بمخالفت خود ادامه  
دهم اگر چه یقین دارم روح و قلب آقایان با هرایض  
من موافق است فرقی که بین من و آقایان است  
اینست که من انجام وظیفه را مافوق حیات و مصالح  
شخصی می دانم باین درجه عاقل نیستم که برای  
ادامه حیات محافظه حکاری نموده باشم و معتقدم  
هر فرد و ملتی که شمار خود را محافظه کاری قرارداد  
نیست و نابود میشود و اگر مقاومت کرد بر فرض آن  
شخص از بین برود آن فکر پاینده و برقرار خواهد  
ماند ما بتاریخ گذشته مراجعه کرده اثربیکه از اشخاص  
فداکار باقی مانده اگر چه خود فدای آن آزار شده  
اند هنوز پاینده و باقی است ولی اشخاص این الوقت  
که مصالح روز را طرف توجه قرار دادند نامی از  
آنها باقی نماند ما چون ملت مسلمانی هستیم و قائمین  
اسلام بپادرس مقاومت و فداکاری داده باید پیروی  
عملیات علی و حسین بوده زیر بار ظلم و تقلب و  
تضییع حقوق جماعت نرویم و تا آخرین نفس برای  
حفظ حق و حقیقت بکوشیم تا جامه ذلت و اسارت  
نیوشیم قسمتی از نطق جناب دکتر مصدق در موضوع  
ماده ۲۰ قرارداد شوم که در مجلس ۱۴ گفته شده  
و نظیر آن که در تمام امتیاز نامه هاست از چه نظر  
تنظیم شده همانطور که ملک خرابی را مالک به نین  
بغیر اجاره میدهند که مدت اجاره مستاجر با سرمایه  
خود قنات را آباد کند و مساکنی که لازم است در  
آن بسازد رعیت بیاورد و آنرا قابل کشت و زرع  
کند و در مدت اجاره در آن استفاده نماید و در  
انقضای مدت آن ملک را بمالک آباد تحویل دهد و  
از آن بیحد تمام عایدات ملک یعنی مال الاجاره سابق  
و نیمی که مستاجر از آن میبرد متعلق بمالک شود  
و مستاجر برود و جای دیگر برای خود تهیه کار  
کند همانطور هم در امتیازاتی که دولتها میدهند  
صاحبان امتیاز تمام حسابهای کار خود را میکنند  
دانسته و فهمیده . ما به خود را بکار میبرند و بجای  
اینکه سرمایه را بیک بانکی بدهند و بیش از صدی  
چهار از آن استفاده نکنند تا صدی بیست هم که در  
سال ۱۹۲۹ کیانی نفت ایران و انگلیس بهره دد  
از آن استفاده میکنند و در آخر مدت هم برای  
نفع سرشاری که برده اند از امتیاز دهنده تشکر  
میکند و مورد امتیاز را با تمام اوزام و اسباب کار  
باو تحویل میدهند و برای خود فکر کار دیگر می  
کنند . اگر امتیاز داری تمدید نشده بود در سال  
۱۹۶۱ دولت نه تنها صدی شانزده عایدات حق داشت  
بلکه صدی صد عایدات حق دولت بود فرض کنیم  
که عایدات دولت در مدت ۳۲ سال که تمدید شده  
هیچوقت از ۷۵۰ هزار لیره که کیانی برای حد  
اقل معین نموده بیشتر نشود و باز فرض کنیم

شرایط امتیازنامه جدید با شرایط امتیاز نامه اولی  
از حیث منافع دولت مساوی باشد یعنی ۷۵۰ هزار  
لیره حد اقلی که در امتیاز نامه جدید معین شده با  
صدی ۱۶ عایدات امتیاز نامه داری برابری کند  
بنا بر این صدی هشتاد و چهار از عایدات که در  
۱۹۶۱ حق دولت میشود و بر طبق قرارداد جدید  
کیانی آنرا تا ۳۲ سال دیگر میبرد ۱۲۶ میلیون  
لیره انگلیس از قرارداد ۱۲ ربال ( مکی - دوازده  
تومان است ) از قرارداد ۱۲ ربال نوشته است ممکن  
است من اشتباه کرده باشم ۱۶ میلیارد و صد بیست و  
هشت میلیون ربال میشود و تاریخ عالم نشان نمیدهد  
که یکی از افراد مملکت بوطن خود در یک معامله  
۱۶ میلیارد و ۱۲۸ میلیون ربال ضرر زده باشد و شاید  
مادر روزگار نزاید کسی را به بیگانه چنین خدمتی  
کند از تمدید مدت نه تنها دولت از این مبلغ معبر العقول  
محرور شد بلکه ۲۰ هزار سهمی هم که از سهام شرکت  
دارد بعد از سال ۱۹۶۱ بلانکلیف و معاموم نیست که  
دولت انگلیس که قدرت خود را برای تمدید مدت بکار  
برد حاضر شود که از ۱۹۶۱ بیحد با صاحبان سهام  
صدی هشتاد و چهار از منافع شرکت را ببرند و از همه  
مضحک تر اینست ۰۰۰ الخ این بود قسمتی از ناله ملت  
ایران که در هفتم آبان ۱۳۲۳ با اینکه قوای خارجی  
در ایران بود و بقایای حکومت قلدردی و زور اگر چه  
ضعیف شده بود ولی در رأس کارها بود که جناب دکتر  
مصدق راجع بقسمتی از مظالم کیانی ناله ملت ایران  
را بسمع جهانیان رسانید و این ناله فقط بوسیله جناب  
دکتر مصدق نبود تمام ملیون وقت و جراید که زبان  
ملت شناخته میشدند کم و بیش در اطراف مظالم نفت  
صحبت کرده و در جراید نوشتند .

یکی دیگر از موضوعات خیلی ظاهر و روشن  
عملیات این کیانی که ایران را در فشار اقتصادی  
گذارد موضوع اسعار خارجی است که این کیانی  
ابتدا خود را مطیع مقررات و قوانین ایران نمیداند و با  
اینکه یکی از صادر کنندگان محصول طبیعی ایران  
است اطاعتی از مقررات قانون اسعار ندارد و اگر مانند  
سایر تجاری که در ایران صادراتی دارند از قبیل زیره  
و کنیرا و یشم و قالی و غیره در پیشگاه کمیسیون اسعار  
تهجد اسعاری میسرود وارد هر مملکت نفت ایران میشد  
اسعار همان مملکت را مجبور بود مانند سایر تجار  
ایرانی بفرود قریه خرید ملت ایران خیلی بیش از  
امروز بود و این بازار سیاه اسعاری ایجاد نمیشد و ما برای  
چند نفر معصومی که با آمریکا اعزام میشوند در فشار  
اسعار نبودیم بلکه از فرانک سویس دلار آمریکا  
که در مقابل صادرات نفت ایران کیانی تحصیل میکند  
بازار ایران آباد میگردد نه اینکه رنج را ایرانی و  
کنج را انگلیسی ببرد . یک موضوعی که از تمام  
موضوعات مهمتر است موضوع بازرسی بحساب کیانیست  
که با سرمایه قلیل عایدات کثیر تا بحال برده و بجای  
تشکر و قدردانی از ملت ایران کدر خاک آنها گوهر  
کرانهائی یافته و با حاصل دسترنج کارگران ایرانی  
از اعناق زمین خارج کرده و جرح اقتصاد و سیاست  
حکومت بریتانیائی را چرخانده غیر از بدبختی و فشار  
وظالم کار دیگری برای ملت ایران نکرده . این  
عرایض من فقط ادعا نیست بلکه عملیات کیانی شاهد  
عرض بنده است . ساختن آجر و تهیه خاک و سنگ

ایجاد کارخانه سیمان در ایران کوششگی نیست  
 کمیاتی اگر سوسنیت نداشت اعتباری که برای خرید  
 یکسال سیمان و آخر از خارج ایران مصرف میشود  
 کافی بود که در خود ایران کارخانه سیمان و کوره  
 آجر تهیه شد. همه زیادی کارگر ایرانی مشغول  
 کار شوند.

این کلیات که عرض میشود مقتضی است که وارد  
 بحث مواد بشویم و اول از امتیاز داری شروع کنیم.  
 با اینکه اساس امتیاز داری روی رشوه و تقلب و  
 تزویر گذارده شده و از ضعف شاه‌علیل المزاج وقت  
 و رشوه خواری در بارین آرزو استفاده شده است  
 و این امتیاز داری جاه‌طلب بوده مع الوصف چون  
 در آرزو نفوذ و قدرت امپراطوری انگلیس کمتر از  
 بعد از جنگ اول بود و رقب سیاسی آنها در ایران  
 روس تزاری قویتر از بعد از انقلاب اکبر بود لذا  
 میتوان گفت که آن قرارداد منجوس هزار مرتبه بر این  
 قرارداد شوم دوره پهلوی رجعت داشت

فصل سوم از قرارداد داری: دولت علیه ایران  
 اراضی بایره خود را در نقاطیکه مهندسین صاحب  
 امتیاز بجهت بنا تاسیس کارگاهائی که در فوق  
 مذکور است لازم بدانند مجانباً صاحب امتیاز و گذار  
 خواهد کرد و اگر آن اراضی دایر باشد صاحب امتیاز  
 باید آنها را از دولت بقیمت عادلانه خریداری نماید  
 و دولت علیه صاحب امتیاز نیز حق بدهد که اراضی و  
 املاک لازمه را بجهت اجرای این امتیاز از صاحبان  
 ملک برضایت آنها ایتباع کند و معلوم است که این  
 ایتباع موافق شرایط خواهد بود که بین صاحب امتیاز  
 و مالکین ملک مقرر خواهد شد ولی صاحبان املاک  
 مجاز نخواهند بود که از قیمت عادلانه اراضی واقعه  
 در حول و حوش تجاوز نمایند. امکنه متبرکه و جمیع  
 متعلقات آنها در دایر یک ۲۰۰۰ ذرع شعاع آنها باشد  
 مجزی و منتسبی خواهد بود در امتیاز شوم دوره  
 پهلوی ماده چهارم قرائت میشود: «الف هر زمین  
 بایر متعلق بدولت که کمیانی برای عملیات خود در  
 ایران لازم بدانند و از برای مقاصد عمومی مورد  
 احتیاج دولت نباشد مجانباً بکمیانی و گذار خواهد  
 شد. طریقه تحصیل اراضی مذکور بترتیب ذیل  
 خواهد بود. هر وقت قطعه‌ای از اراضی مذکور مورد  
 احتیاج کمیانی واقع میشود باید کمیانی یک یا چندین  
 نقشه کدر روی آن زمین مورد احتیاج بارنگ آمیزی  
 مشخص گردیده باشد بوزارت ماله ارسال بدارد.  
 دولت در صورتیکه اعتراض نداشته باشد متعهد میشود  
 که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمیانی  
 موافقت خود را اظهار بدارد ب - اراضی بایر متعلق  
 بدولت را که کمیانی احتیاج پیدا می کند بطریقیکه  
 در جزه قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد  
 و دولت در ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای  
 کمیانی دایر بفروش آن اراضی اضاشار خواهد داشت  
 در صورتیکه دولت اعتراض و احتیاجی براضی مزبوره  
 نداشته باشد قیمت این اراضی را کمیانی تایی خواهد  
 کرد و قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت  
 متعارفی اراضی که از همان نسوع بسود و  
 همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع  
 شده باشد نباید تجاوز نماید. ج - در صورتیکه دولت  
 در مقابل تقاضای پیش بینی شده در جزو های الف

وب مذکور در فوق جوابی نمیدهد پس از انقضای دو  
 ماه از تاریخ وصول تقاضای مزبور کمیانی تذکره  
 جدیدی بدولت خواهد فرستاد چنانچه تذکره نامه  
 مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جواب داده  
 نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی خواهد گردید  
 د - اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای کمیانی  
 لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور و یا  
 توسط دولت کمیانی تحصیل خواهد کرد در صورت  
 عدم حصول موافقت در قیمت دولت صاحبان اراضی  
 مزبور اجازه خواهد داد که بیش از نرخ متعارفی  
 اراضی مشابه مجاور مطالبه نمایند برای تقویم اراضی  
 مذکور منظوری که کمیانی از مصرف آنها دارم آخذ  
 قراردادده نباشد. ه - اما کن مقدسه و این تاریخ  
 و معطلهائی که جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها  
 تا ۲۰۰ متر مسافت از مقررات مذکور مستثنی هستند  
 و کمیانی حق غیر انحصاری داشت که فقط در حوزه  
 امتیازی نه جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق بدولت  
 برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن آهک  
 و سنگ و گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً  
 استفاده نماید مسلم است که اگر استفاده از مواد  
 مذکور موجب ضرر شخص ثالثی بشود باید کمیانی  
 جبران خسارات ذوی العقوق را بشاید. آقاییان  
 محترم توجه فرمائید من وارد بحث معاملات بادت  
 که طرف کمیانی باشد میل ندارم بشوم والا منتوی  
 هفتاد من کاغذ شود مأمورینی که یکی از شرای  
 متأخرین در وصف حال آنها گفته است (ظالم و بدشوا  
 هرچه عاجز و مسکین عاجز و مسکین هرچه ظالم و  
 بدخواه) چنین مأمورین که مسطوره آنها در اغلب  
 نقاط دیده شده بدیهی است وقتی طرف دولت سخی  
 و گشاد بازی که تفاوت بیش از ثلث کسر بودجه راهم  
 نیشمارد در مقابل کمیانی که از حیث مسکن و برق و  
 اتومبیل و سایر عملیاتیکه موجبات لغزش مأمور را  
 فراهم میسازد معلوم است که چه رویه‌ای خواهد داشت  
 این ماده مخصوصاً ماده ۴ امتیاز شوم دوره پهلوی از  
 نظر حقوقی اگر مطالعه شد تعبدی بودن آن و بفتح  
 یکطرف نوشته شدن آن واضح است و جناب آقای  
 دکتر صدیق در این مورد البته متوقع خواهند فرمود  
 که ضرر آن واضح و روشن است زیرا که دولت برای  
 اجرای حق حاکمیت خود اگر احتیاجی براضی  
 مورد استفاده کمیانی داشته باشد ابدأ تذکری داده  
 نشده بلکه دولت را مکلف ساخته است که اگر در  
 جواب تقاضای کمیانی تاسامح و تحمل و رزوم سلوب الاختیار  
 شود بملایم برای ارزیابی ماخذی قراردادده است که  
 هیچ هائلی هیچ شرط و ارزیابی را قبول نمیکند زیرا  
 که شما اگر یک قطعه بخصوص اراضی شما را برای  
 ایجاد دستگاهی که احتمال خطر و حریق و مزاحمت  
 دارد نمیتوانیم بقت بقیه اراضی بفروشیم بلکه هر فنا  
 خسارات محتمله و متصوره نسبت بسایر اراضی را مورد  
 توجه قرار داده نرضی برای او معلوم میکنید همین  
 شکل در شناس اراضی چه خیابان را نسبت براضی که  
 مدخل آن کوچه باریکی است تفاوت قیمت زیاد افتل میشود  
 در معاملاتی که با کمیانی در مقابل اشخاص مینمایند  
 نباید نرخ متعارفی را نرخ اراضی مشابه مجاور مطالبه  
 نمایند. من فراموش نمیکم یکسال با هشی برای  
 بازرسی خیابان رفتن در آن موقع از طرف دولت  
 دستور داده شده بود که شهرداری چند خیابان جدید

در مشهد احداث کنند در سایه احداث خیابان جدید  
 علاوه بر اینکه پول زیادی برای خرید اراضی مصرف  
 شد سرمایه شهرداری اضافه شد زیرا که اراضی را  
 سه نفر کارشناسی که یک نفر از طرف شهر و یکی از  
 طرف مالک دیگری برضای طرفین از سایر کار-  
 شناسها برای ارزیابی معین میشد فلان منزل را مثلا  
 قبل از خرابی از فرار متری صد ریال و بعد از خرابی  
 طرفین خیابان را از متری ۱۰۰۰ ریال ارزیابی  
 میکردند بالنتیجه مالک ملک علاوه بر زمین من خیابان  
 که مجاناً بشهر داده بود مبلغی علاوه بابت حق تشریف  
 شهرداری مجبور بود پرداخت کند من این رویه را  
 که دیده بالنتیجه کار شناسها معدوم بودند و اگر  
 شهرداری بآنها کاری رجوع نمیکرد بیکار میشدند  
 مجبور بودند مطابق میل شهرداری اراضی را قبل  
 از ایجاد خیابان و بعد از ایجاد خیابان ارزیابی نمایند  
 البته این رویه بضرر تمام کسانی که در خط خرابی  
 خیابان واقع شده بودند تمام میشد. حالا برگردیم  
 راجع بعملیات کمیانی در موضوع خرید اراضی از  
 اشخاص البته مأمورین دولت و کارشناسان معلی حکم  
 همان کارشناسان مشهودی دارند و مقام کمیانی و نفوذ  
 و قدرتی که از سهل انگاری حکومت مرکزی و تقویت  
 دولت امپراطوری انگلیس تحصیل کرده تمام معاملات  
 بضرر صاحبان املاک است و آن مقرراتیکه در ماده  
 ۴ این قرار داد شوم ذکر شده است. از خوانین  
 بختیاری بطور خصوصی پرسش کنید که معاملات کمیانی  
 در موقع خرید اراضی قبل از این قرارداد شوم بود  
 از این قرارداد چقدر تفاوت کرده است و آیا معاملات  
 بعدی بیشتر بفتح مالکین اراضی بوده یا معاملات قبل  
 من عملیاتی که در شهرداری در مشهد انجام میدادند  
 والبت در سایر شهرستانها و تهران نظایر آن زیاد  
 است چون اشخاصی که متضرر شده بفتح هم وطنان خود  
 تعدل خسارت و ضرر نموده اند زیاد متأثر نیست ولی  
 عملیات که تانی در معاملات بطریقی که فوقاً عرض شد  
 چابیدن ایرانی بفتح اجتنبی است و کسانی که مؤثر در  
 تنظیم این قرارداد شوم بوده اند اگر قدرتی در مقابل  
 شخص دیکتاتور داشته اند تمام را مقصر میدانم و  
 بدیهی است این قرار داد مرضی ملت ایران نبوده  
 و نیست و ما چگونگی و نتایج یابیم مذاکرات خود روی این  
 قرارداد شوم که بمقیده من باید کان لم یکن شناخته  
 شود بگذاریم

فصل نهم از قرارداد داری  
 ( دولت علیه ایران بصاحب امتیاز اجازه میدهد  
 که یک یا چند شرکت بجهت انتفاع از امتیاز خود  
 تاسیس نماید اساسنامه و نظامنامه و سرمایه آن شرکت را  
 بتوسط صاحب امتیاز معین خواهد شد مشروط بر این  
 که در ایجاد هر شرکتی صاحب امتیاز آن ایجاد را رسماً  
 بتوسط کمیسیون بدولت اطلاع بدهد و نظامنامه آن شرکت  
 را با تعیین معلی که شرکت مزبور باید در آنجا حصار  
 کند بدولت اظهار دارد و مدیرهای شرکتها نیز به  
 توسط او انتخاب خواهند شد این شرکت با آن شرکت  
 ها تمام حقوق صاحب امتیاز را خواهند داشت ولی از  
 طرف دیگر آنها باید تمام تعهدات و مسئولیت صاحب  
 امتیاز را نیز بعهده خود گیرند. )  
 شبیه فصل نهم در قرار داد جدید من نمی بینم  
 زیرا که با بودن نصی نهم صاحب امتیاز مکلف بود که

هر چند شرکت بجهت انتفاع از امتیاز خود تاسیس  
 نماید اساسنامه و سرمایه آنرا با اطلاع دولت برساند  
 و مدیرهای شرکتها تا به نیز مکلف بودند طبق  
 اصول این امتیاز عمل کنند. یکی از ایرادهای ما به  
 امتیاز اسمیت مستشار مالی انگلیس این بود که چرا  
 فقط شرکتها بیکه بیش از نصف از سهام را کمیانی  
 اصلی مالک است مشمول مقررات دانستند و ما طبق این  
 فصل خود را ذبیق میدانستیم که از هواید تمام شرکت  
 هائیکه برای انتفاع با کمیانی اصلی مساهمت مینمایند  
 بقدر سهمیکه کمیانی اصلی دارد نظارت کرده و صاحب  
 حق و بهره باشیم و انحصار بشرکتها بیکه اکثریت سهام  
 متعلق بکمیانی اصلی بود نمیدادیم ولی رفتار کسانیکه  
 قرارداد جدید را قبول کردند من را مکلف ساخته  
 که از پشت این تریبون درود بامتیاز اسمیت بفرستم  
 زیرا که با رفتار این قرارداد اگر او را برسمت بشناسیم  
 و این قراردادیکه تمام بضرر ایران و نفع کمیانی  
 است قبول کنیم نامهی ندارد که کمیانی نفت خام را  
 ضرریکی از کمیانیهای تابع خود بفروشد آن کمیانی  
 هر چه میخواهد بکند و در آخر سال بیلانی که مشعر بر  
 ضرر کمیانیست بصاحبان سهام بدهد بملایم در فصل دهم  
 از قرارداد داری تصریح شده است ( بین صاحب  
 امتیاز و یکطرف و شرکتی که تشکیل گردد از طرف  
 دیگر قرارداد خواهد شد که یکماه بعد از تاریخ رسمی  
 تاسیس شرکت اول صاحب امتیاز مکلف است مبلغ  
 ۲۰ هزار لیره انگلیسی نقداً و ۲۰ هزار لیره دیگر از  
 سهام پرداخت شده بدولت علیه بدهد و علاوه بر آن  
 شرکت مزبور و تمام شرکتها بیکه ایجاد خواهند شد  
 موظف خواهند بود از منافع خالص سالانه خود صدی  
 ۱۶ بدولت علیه کارسازی دارند) این جمله نگفته نماند  
 که پول اصولاً چون قوه خرید و تولید را نشان میدهد  
 مهم است روزی لیره انگلیسی مقیاس بوده حتی در معاملاتی  
 بین فرانسه و ژاپن انجام میشده ماخذ را لیره انگلیسی  
 قرار میدادند قبل از آن تاریخ موقعی مقیاس گریه قند  
 و شتر و طلا بوده در ۱۴۰۰ سال قبل تناسب طلا و  
 نقره و شتر و گاو و گوسفند تلویحاً گندم معلوم بوده  
 حتی در کتب فقهیه اسلام در باب دیات و زکوات در  
 اطراف این موضوع اگر مطالعه شود تناسب مابین  
 مواد طرف حاجت بشر که در معاملات مورد استناد  
 بوده روشن میگردد. در موقعیکه قرارداد داری  
 منعقد شده است لیره انگلیسی در بازار عمومی کافندی  
 آن مرغوبتر از هین طلا بود و اگر کسی برات  
 ۱۰۰۰۰ لیره در دست داشت ممکن بود مبلغی صرف  
 بدهد که با لیره کافندی بدهند نه طلا یا به حق  
 امتیازمان در آن تاریخ چنین بوده در موقع قرارداد  
 شوم دوره پهلوی که تنزل پول کافندی انگلیسی شروع  
 شده است در ضمن ماده دهم مقایسه با طلا را به  
 مباراتی که بدیهی است انشاء ایرانی نیست و خیلی  
 بیجوده است مقیاس را طلا قرار داده است که قیمت  
 طلا در لندن مقیاس شده و در آنجا نوشته اند قیمت  
 در طلا در بانک انگلیس زیرا که بفرمایش جناب دکتر  
 بیجوده است مقیاس را طلا قرار داده است که قیمت  
 طلا در لندن مقیاس شده و در آنجا نوشته اند قیمت  
 در طلا در بانک انگلیس زیرا که بفرمایش جناب دکتر  
 مصدق این مقرراتیکه در بانکها اسماً برای تناسب  
 بین کافند و طلا است کلام کافندی است زیرا که در  
 ایران خودمان روی اسکناسهای صد ریالی در طبع  
 اول یک پهلوی نوشته شده بود آیا امروز پنج ورق  
 هراختلاف نظر در مواردیکه بوجب این امتیاز نامه  
 آن کاغذ صد ریال را بدهد بانک یک پهلوی طلا

بشما خواهد داد؟ این مقررات بانگی یک نوع  
 تشکیلاتی است در دست سرمایه دازها و دول برای  
 بردن ثروت عمومی و اطفال مولدین ثروت و امروزه  
 که دولت انگلستان لیره کافندی او از اعتبار سابق  
 خود افتاده ابدأ صلاح نیست که ما مقیاس معاملات  
 خودمان را روی لیره بگذاریم و همین شکل که طلا  
 سیاه گرداننده دستکاه تمدن امروز دنیا یعنی نفت  
 در تمام بازار های دنیا طرف حاجت است مصلحت ما  
 اینست که بتناسب توزیعی که نفت ایران در تمام  
 ممالک جهان میشود بهمان تناسب از اسعار سگلبه  
 ملل سهم داشته باشیم و در ایران فرانک سویس یا  
 پولهای دیگری که اعتبار آن بیش از لیره انگلیسی  
 است در دسترس ملت ایران باشد و ما نان خود را  
 در سفره دیگران نگذاریم و در موقع گرسنگی بجای  
 نان ناز و قهقهه تحویل بگیریم مگر کمیانی پولی که  
 بایران میدهد تصدق است که ما هر چه میدهند قبول  
 کنیم؟ مگر از حاصل فروش نفت ما کمیانی منتفع  
 نمیشود پس باید دولت حقوقی را که از این کمیانی  
 مطالبه میکند متکی بفروش نفت در ممالک مختلف  
 روی زمین باشد و ابدأ تکیه گاه خود را یک قرارداد  
 تعبدی دوره پهلوی که هیچ مربوط بانشاء ایرانی  
 نیست بلکه در مواد آن اعمال نظرهای فنی بضرر  
 ایران حتی المقدور شده است که برای تصبیح حقوق  
 ایران همه گونه قابل تفسیر و تفسیر است ولی برای حق حاکمیت  
 مالکیت ایران در نفت مواد صریح برای محدود کردن  
 آن است که هیچ عاقل منصف بیطرفی نمی تواند  
 تصدیق کند که این قرارداد از نظر اقتصادی و سیاسی  
 مصالح طرفین در موقع تنظیم آن طرف توجه بوده  
 بلکه در حکم التزام نامه ایست که بنام ملت ایران  
 دیکتاتور وقت بکمیانی که معنا دولت انگلیس است  
 داده که هیچوقت برخلاف دستورات و توقعات کمیانی  
 در متعلقه عملیات او دخالتی و نظریاتی اعمال نکند من  
 نمیتوانم این را قرارداد بنامم بلکه التزامنامه در آتیه  
 باید او را بنامیم آنهم التزامنامه یک شخص اسیر  
 معیوس در مقابل یک شخص قلندر و متمدی  
 فصل هفدهم از قرارداد داری: در صورتی  
 که مابین طرفین متاهدین منازعه و اختلافی در تاول  
 و ترجمه این امتیاز نامه و نیز در باب حقوق و مسئولیت  
 طرفین مشاجره اتفاق افتد حل مشکل در تهران بدو  
 حکم رجوع خواهد شد و آن دو حکم بتوسط طرفین  
 معین خواهند شد و آن دو قبل از مبادرت به ارائه حکم  
 ثالث را معین خواهند کرد حکم دو حکم و یا در  
 صورتیکه حکمین مزبورین متفق نشوند حکم حکم  
 ثالث قطعی خواهد بود. این بود فصل حل اختلاف  
 بین ایران و کمیانی داری قبل از قرار داد شوم دوره  
 پهلوی و این است قسمت اخیر ماده ۲۱ از قرار داد  
 دوم که التزامنامه دوره پهلوی باید خوانده شود این  
 امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات  
 آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و  
 یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات  
 مقامات اجراییه قابل تغییر نخواهد بود.  
 ماده ۲۲ الف هر قبیل از اختلافات حاصله طرفین  
 و مخصوصاً اختلافات ناشی از تغییر مدلول این امتیاز  
 نامه و حقوق و مسئولیت های مقرر در آن و همچنین  
 هراختلاف نظر در مواردیکه بوجب این امتیاز نامه  
 این نحوه حکمیت بحث کنیم زیرا که حقوقی برای

محتاج بتوافق نظر طرفین است بطریق حکمیت قطع  
 و فصل خواهد شد  
 ب - طریقیکه تقاضای حکمیت میکند باید تقاضای  
 خود را بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید طرفین هر  
 یک یک حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع  
 بحکمیت یک حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد هر  
 گاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت به تعیین  
 حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند حکم مزبور  
 را بتقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داری دائمی  
 بین المللی تعیین خواهند نمود - چنانچه رئیس  
 دیوان داری بین المللی از حیث ملیت و  
 تابعیت مطلق جزو ( ج ) حائز شرایط لازم برای  
 تأمین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب  
 رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد.  
 ج - حکم ثالث باید از ملت ایران و یا  
 انگلیس نباشد و علاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران  
 و نه با انگلیس از حیث تعلق بیکی از مستملکات  
 یا ممالک تحت الحمایه و یا مستدرات و ممالک تحت  
 قیمومت و مالکیکه بوسیله یکی از ملکین مذکور  
 در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در  
 خدمت یکی از ممالک مذکور بوده و یا میباید  
 نداشته باشد.  
 اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول  
 تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را معین  
 نکرد و یا تعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف  
 مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داری  
 دائمی بین المللی ( یا از نایب رئیس در موردیکه مطابق  
 قسمت اخیر جزو ( ب - ) پیش بینی گردیده ) تقاضا  
 نماید که یک حکم منفرد ذی صلاحیت و مطابق مقررات  
 مذکور در فوق تعیین کند و در اینصورت اختلاف موجود  
 بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید  
 ه - اصول معاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی  
 خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داری  
 بین المللی معمول و مجری است. وقت و عمل حکمیت  
 را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور جزو  
 ( د ) معین خواهد کرد. و - حکم حکمیت مستند  
 بر اصول قضائی مذکور در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان  
 داری بین المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود  
 ز - مخارج حکمیت بشعوبیکه در رأی حکمیت معین  
 میشود تائیه خواهد گردید. ما مطمئیم کمیانی هیچوقت  
 محتاج نمیشود که حکمیت بکند هر وقت مقاصد حساب  
 خواست هزیری گلشائینی پیدا میکنند و مقاصد حساب  
 میکرد محتاج نیست که برود حکمیت بخواند تا باین  
 در دوسرها بیفتد آقاییان انصاف اگر باشد فصل هفدهم  
 از قرار داد داری و مواد این التزامنامه نفت دوره  
 پهلوی کدامیک بحق و عدالت نزدیکتر است غیر از  
 این که امتیاز نامه را ما التزامنامه اسم بگذاریم چاره  
 دیگری داریم این امتیاز نامه نیست بلکه فرمانیست  
 که از طرف کمیانی نفت بدست مأمورین خود داده شده  
 است که بنام ملت ایران آنرا امضاء نموده و ریشه  
 کمیانی نفت را در ایران محکمتر از کمیانی انگلیس  
 در هندوستان قرار بدهند و هست و نیست و استقلال  
 و شرافت و ملیت ایران را در طبق اخلاص تقدیم بساکنین  
 رود خانه تاینز کنند. من محتاج بمیدانم در اطراف  
 این نحوه حکمیت بحث کنیم زیرا که حقوقی برای

حقیقت ایران حقیقه قتل نشده است بلکه تصریحاتی  
 مبنی بر بی‌طرفی ملت ایران دارد که باید در خلال آن  
 هیات‌های دیپلماتی و کلمات خارجی که لباس فارسی‌وار  
 آمده و مفهم معنی مفیدی نیست اشغاف صبیح‌قضاوت  
 کنندگی بدولت اجازه داده شد که این قراردادشوم  
 در اطراف مواد آن با کمیانی نفت جنوب مذاکره  
 شود بلکه اساس شکایت مربوط بریشه و پایه قرارداد است  
 که امروزه دنیای بعد از جنگ دوم با ملل ضعیف مساعده است که  
 زیر بار زور و فشار نروند برای خاموش کردن احساسات ملی  
 علیه کمیانی سه سال وقت مملکت را صرف اصلاح  
 مواد التزام‌نامه نفتی دوره پهلوی نمودند ما ابدأ  
 با اساس او تسلیم نیستیم تا در اطراف لیره کاغذی و  
 گرفتن از صندوق ذخیره و خرج کردن آن بحث کنیم  
 (صحیح است) اولاً عرض کنم در این مملکت حوادث  
 شومی که اتفاق افتاده است و صدی هشتاد آن موحش  
 بوده اند در تمام جنایتهائی که در این چند ساله اخیر  
 از اوایل مشروطیت با بنظر طرف صدی هشتادش مربوط  
 بنفت علیه السلام است یکی از حوادث مربوط بعمل  
 نفت مجلس مؤسسان قلابی است آیا در تاریخ ممالک  
 سابقه دارد که یک ملت از اختیارات خدا داد مشروع  
 خود بعدی ناراضی باشد که حتی اطفال دبستان‌دهات  
 پس از اینکه شاه هوس کرد که اختیارات ملت را  
 سلب کند اجتماع نموده فشار تلگرافی بمركز و  
 مجلس بیاورند که باید در فلان اصل که مربوط بمقوق  
 ملت است تجدید نظر شود آیا این قیام علیه حکومت  
 مشروطه و آزادی و قانون اساسی نیست و انتخابات  
 قلابی در مرکز در مقابل چشم همه ما با بشود و چند  
 صد هزار رأی قلابی وارد صندوق شده و روی هر ورقه  
 (۲۴) اسم نوشته شود و انجمن نظارت که رئیس آن  
 جایزه عضویت مجلس سنا را گرفت در مدت چند روز  
 قرائت کند آیا با حساب درست خواهد آمد آقایان  
 اظهر من الشمس است که از پایه الا آخر عمل تقلب و  
 جعل و دروغ بوده برای چه این عمل انجام شد برای  
 اینکه آزادی را از ملت و مجلس سلب کرده نفت  
 ایران را بشارت برند این مسخره بازی را ما اسم  
 مجلس مؤسسان گذاریم حقیقه آبروی ملت ایران را  
 در تاریخ و در دنیا از بین بردند یکدسته فارتگر ساحل  
 تنز من میگویم حوادث مهم از یکصد سال قبل تا  
 بحال آنچه در ایران شده در سایه فساد و عملیات مأمورین  
 انگلستان بوده البته در زمان تزارها عملیات انگلستان

در ایران تمام بشر در ماها نبود بلکه بعضی بنفع ایران  
 بود که جلوی تجاوز روسها را گرفت مانند مشروطیت  
 ایران ولی پس از تغییر رژیم روسیه تمام گرفتار  
 جنایات سیاسی هبال نفت بوده و هستیم از کشته شدن  
 ابربری و سلطنت پهلوی حتی اخیراً دست از سرما  
 برنداشته و مشغول تفتین بننوان مذهب شده نزاع بهائی  
 و مسلمان شیعی و بالاسری نموده و حتی عقیده دارم  
 موضوع تصفیه و بند الف ب ج نیز بدون دخالت و  
 فساد آنها نبوده آقای با کروان در بند الف لنکرانی  
 در بند ج آقای رئیس دولت شهادت داشته باش و نام  
 نیک تاریخی برای خود بگذار و ملی بودن صنایع  
 نفت را اعلام کن علاوه بر ملت ایران دنیا پشت و پناه  
 تو خواهد بود امروز با نفت ایران انگلستان در دو جنگ  
 فاتح شده و ناراضی‌ها را از خود بوسیله معامله نفت  
 راضی میسازد چرا ما خودمان دنیا را از خود راضی  
 نسازیم و از دست این فقر و فلاکت ملت ایران را  
 نجات ندهیم نفت منتهی است کدر دنیا مشتری زیاد  
 دارد و کمیانی‌ها حاضر برای اینکه مساعده بدولت  
 ایران برای استخراج بدهند هستند و دولت انگلستان  
 امروز نمی تواند مثل ۱۹۳۳ کشتی جنگی بهلیج  
 ایران بفرستد و امروز روز احقاق حق ملت ایران  
 است. مسامحه و دفع الوقت بقیه من خیانت است و  
 نباید رئیس دولت مسامحه در احقاق حق ملت ایران  
 بنماید این مطالب که عرض شد مقدمه بود برای  
 استیضاح از دولت جناب رزم آرا جناب نخست وزیر  
 من میدانم که هر فرد ایرانی نمی تواند زیر بار  
 این رقیب و بندگی کمیانی فارتگر برود و حقوق  
 ملت ایران را زیر پا بگذارد و همین جهت موجب  
 شده است که دولت جناب منصور و دولت‌شما حاضر  
 برای دفاع از این طرح العافی کس گلشائیان نشده  
 است اعتراض من اینست که مسامحه و دفع الوقت  
 بنفع کمیانی فارتگر انگلیس است که لباس شتر مرغ  
 را دارد در صورت کمیانی و تاجر است ولی زیر لباس  
 تجارت دولت انگلیس است و باید هر چه زود تر  
 تکلیف ایران با این دستگاه فساد معلوم و یک سره  
 شود اگر دولت مصلحت میدانند مانند دولت انگلیس  
 که صنایع فولاد و غیره را ملی ساخت و از دست  
 کمیانی‌ها و سرمایه‌دارها خارج نمود صنایع نفت را  
 ملی ساخته چرا این لایحه را استرداد نمی کنند و

لایحه ملی شدن صنایع نفت را تقدیم نیکند و اگر  
 مصلحت در ملی شدن صنایع نفت نماندند چرا خود  
 دولت شرکت برای استخراج نفت درست کرده و  
 مشغول عملیات اکتشافی است در هر صورت تسامح  
 دولت در تعیین تکلیف نفت طبق دستور قانون  
 ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ روشن است و بیش از این فعلاً  
 عرضی ندارم.

**۳ - تصویب يك فقره اعتبارنامه**

رئیس - کمیسیون که از مجلس انتخاب شد  
 برای لایحه اختیارات شهرستانها آقای فلامرضا  
 فولادوند قبول عضویت نکردند بنا بر این آقای  
 خاکباز مدد از ایشان حائز اکثریت هستند و انتخاب  
 می شوند.

یک گزارشی رسیده است از شعبه ۱۵ پرونده  
 انتخابات ارامنه جنوب آقای سالار بهزادی قرائت  
 فرمایند ( بشرح زیر قرائت شد ) .

پرونده انتخابات ارامنه جنوب حاکیست که در  
 تاریخ ۳۱ خرداد از طرف فرماندار تهران جهت  
 تشکیل انجمن نظارت مرکزی انتخابات از طبقات  
 شش گانه ارامنه دعوت بعمل آمد و پس از انتخاب  
 اعضای اصلی و علی البدل و تعیین شعب فرعی در  
 شهرستانها و انتشار آگهی اقدام بتوزیع تفرقه و  
 اخذ رأی شده و پس از استخراج و قرائت آراء  
 آقای بطروس آبکار با اکثریت ۹۸۰۹ رأی از مجموع  
 ۱۰۰۹۱ رأی مأخوذه بنماینده کمی ارامنه جنوب  
 برای دوره شانزدهم تقنینیه انتخاب و چون در مدت مقرر  
 شکایتی بانجمن راصل نگردید در تاریخ ۲۹ شهریور  
 ماه ۱۳۲۹ اعتبارنامه بنام ایشان صادر می شود پس  
 از ارجاع پرونده بشعبه پنجم و رسیدگی بمعنویات  
 پرونده و عدم وصول شکایات بمجلس شورای ملی  
 صحت انتخابات ارامنه جنوب و نماینده کمی آقای بطروس  
 آبکار را تأیید و اینک گزارش آنرا تقدیم مجلس  
 شورای ملی مینماید.

از طرف مخبر شعبه ۵ - سالار بهزادی

**۴ - موقع ودستور جلسه آینده - ختم جلسه**

رئیس - نماینده کمی آقای آبکار تصویب شد  
 جلسه ختم میشود جلسه آینده روز یکشنبه دنباله  
 استیضاح ( بیست و پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه  
 ختم شد ) .

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت